



<https://jas.ui.ac.ir/?lang=en>

**Journal of Applied Sociology**

E-ISSN: 2322-343X

Vol. 34, Issue 3, No.91, Autumn 2023, pp. 109-132

Received: 13.02.2023 Accepted: 06.08.2023

#### Research Paper

### Prevalence of Multiple Roles among Middle-Aged Women and Men Residing in the Urban Areas of Iran

**Fatemeh Torabi\*** 

Associate Professor, Department of Demography, University of Tehran, Tehran, Iran  
fatemeh\_torabi@ut.ac.ir

**Kazem Saravani**

Ph.D. Student, Department of Demography, University of Tehran, Tehran, Iran  
kazem.saravani@ut.ac.ir

#### Introduction

Being engaged in multiple roles can affect a person's health and well-being and the middle-aged people are usually exposed to this situation more than other age groups. Most of the western studies that have looked at this issue with a demographic lens have introduced middle age as a situation of being caught or sandwiched between the needs of two generations (children and parents). On the other hand, increasing women's participation in paid work means that more middle-aged women are faced with a conflict between their work and family responsibilities, a phenomenon often characterized by the term "double burden" or "second shift" (Bratberg et al., 2002; Hochschild & Machung, 2012). According to the demographic changes of the family in recent years, living arrangements in mid-life have become more complex and heterogeneous (Demey et al., 2011) so that some researchers have used the term "cluttered nest" to describe this period of life, which is in contrast to the "empty nest" stage, that is, when all children leave the parental home (Lingren & Decker, 1992). The available data in Iran showed that the age transition of population has entered the middle-age phase since 2015 (the population aged 30-64) and will remain in this phase for several decades. It is predicted that the share of middle-aged people in Iran will reach more than 50% between 2026 and 2031 (Abassi Shavazi and Sadeghi, 2017: 46). This research aimed to expand the information about the role behaviors of this group by exploring the pattern of multiplicity of roles and its relationship with some of their social and demographic characteristics in the context of the urban society of Iran. The paper tried to answer the following questions: 1) What proportion of middle-aged women and men participate in multiple roles? 2) How does the pattern of mid-life multiple roles change based on people's socio-demographic characteristics?

#### Materials & Methods

Using the data from the latest Time Use Survey of Iran, this article examined the prevalence of occupancy and intensity of multiple roles, namely paid work, domestic work, and parenting, as well as the socio-demographic characteristics related to it. The statistical population of this survey included all people aged 15 and older living in urban households across the country and the data included all the daily activities of individuals, as well as demographic, economic and social variables, at the individual and household levels.

The impacts of socio-demographic variables on people's intersectionality of roles were assessed using the Poisson regression in the STATA statistical package (version 17). The

dependent variable was defined as the number of intense roles, which ranged from zero to three roles. The independent variables included gender, age group, marital status, education, and household size.

#### Discussion of Results & Conclusion

The findings showed that (1) multiple roles were more common in the middle age than in other age periods; (2) multiple roles were more prevalent in men due to the low employment of women; (3) women were more involved in intense multiple roles than men and this pattern was due to the large amount of time that women spent on domestic activities.

\* Corresponding author

Torabi, F., & Saravani, K. (2023). Prevalence of multiple roles among middle-aged women and men residing in the urban areas of Iran. *Journal of Applied Sociology*, 34(3), 109-132.



The results of Poisson regression analysis revealed that the household size reduced the number of intense roles for men and women. This situation indicated a wider division of labor in large households, which alleviated participation in intense multiple roles, especially for women. On the flip side of the coin, the findings showed that middle-aged people in smaller households faced more intense roles and therefore needed interventions to reduce this potentially traumatic experience. With increasing age, the number of women's intense roles increased. This is in line with the hypothesis of role density in late mid-life and near retirement age (Patterson & Margolis, 2019). Married women were more likely to be engaged in intense roles than their widowed or divorced counterparts and college education reduced the number of intense roles for men, but a similar effect was associated with a lower confidence interval for women. Thus, midlife could be a difficult time for married women, who had multiple responsibilities, while being a wife and a housewife.

Meanwhile, their physical abilities decreased with age, making this period stressful and unfavorable. In fact, the important finding of this article was the noticeable difference in the pattern of experiencing intense roles between men and women, which showed that the tasks related to the domestic role alone put a heavy burden on the shoulders of middle-aged women living in the urban areas of Iran so that its prevalence was more than 4 times that of the men heavy occupational role.


Our results highlighted the need for investigating the impact of multiple-role occupancy on the health and well-being of middle-aged people at the national level and designing evidence-based interventions to improve their conditions.

**Keywords:** Middle Age, Multiple Roles, Role Intensity, Time Use, Iran



مقاله پژوهشی

## شیوع نقش‌های چندگانه در میان زنان و مردان میان‌سال ساکن در مناطق شهری ایران

فاطمه ترابی\* ، دانشیار، گروه جمعیت‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

fatemeh\_torabi@ut.ac.ir

کازم سراونی، دانشجوی دکتری گروه جمعیت‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

kazem.saravani@ut.ac.ir

### چکیده

ایفای نقش‌های گوناگون، بر سلامتی و رفاه فرد تأثیر می‌گذارد و معمولاً میان‌سالان بیش از دیگر گروه‌های سنی در معرض چنین وضعیتی قرار دارند. این مقاله با تحلیل ثانویه داده‌های آخرین پیمایش گذران وقت مناطق شهری ایران (۹۹-۱۳۹۸)، شیوع نقش‌های چندگانه، شدت این نقش‌ها و ویژگی‌های اجتماعی-جمعیت‌شناختی مرتبط با نقش‌های چندگانه شدید را بررسی می‌کند. یافته‌ها نشان داد (۱) نقش‌های چندگانه در میان‌سال، از دیگر دوره‌های سنی رایج‌تر است؛ (۲) چندگانگی نقش‌ها، به دلیل اشتغال کم زنان، در مردان شایع‌تر است؛ (۳) زنان بیش از مردان درگیر نقش‌های چندگانه شدیدند و این الگو ناشی از مدت‌زمان زیادی است که زنان صرف فعالیت‌های خانگی می‌کنند. تفاوت‌های مردان و زنان در شیوع نقش‌های چندگانه و تأثیرپذیری شدت این نقش‌ها از جنس، سن، بعد خانوار، وضع زناشویی و تحصیلات، اهمیت بررسی تأثیر چندگانگی نقش‌ها بر سلامت و رفاه میان‌سالان و طراحی مداخلات مبتنی بر شواهد برای بهبود وضعیت آنها را برجسته می‌کند.

واژه‌های کلیدی: میان‌سال، نقش‌های چندگانه، شدت نقش، گذران وقت، ایران.

\* نویسنده مسؤول

ترابی، ف. و سراونی، ک. (۱۴۰۲). شیوع نقش‌های چندگانه در میان زنان و مردان میان‌سال ساکن در مناطق شهری ایران. *جامعه‌شناسی کاربردی*، ۳۴(۳)، ۱۰۹-۱۳۲.



## مقدمه و بیان مسئله

جهان اجتماعی، صحنه اجرای نقش‌های متنوع فردی و اجتماعی آدمیان است. در جوامع پیشرفته و مدرن که عضویت در گروه‌های متعدد از ویژگی‌های بارز آن است، از بیشتر افراد انتظار می‌رود که به الزامات بیش از یک نقش، پاسخ بدهند (کوئن، ۱۳۷۲: ۸۶). بر همین اساس، ناهم‌نوایی، اختلاف و تضاد میان هنجارها و نقش‌ها در سطح روابط بین فردی و اجتماعی، یک وضعیت شایع در جامعه قلمداد شده است که گاهی با پدیده فشار نقش<sup>۱</sup> و بروز اختلالات فکری-هنجاری همراه است (Goode, 1960).

افراد در سنین مختلف و در طول مسیر زندگی فردی و خانوادگی خود، در معرض نقش‌های متفاوتی قرار می‌گیرند. موقعیت و اهمیت نقش‌ها نیز در طول زمان، دستخوش تغییرات می‌شود و تحولات اقتصادی، اجتماعی و حتی جمعیتی، از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر این امرند. یک مثال مشهود در این باره، این است که با گذار به جامعه مدرن، تعریف نقش زنان و جایگاه آنان در جامعه سنتی دگرگون شده است. پویایی‌های جمعیت‌شناختی نیز، در این زمینه بی‌اثر نبوده‌اند و انتقال جمعیتی، افزایش طول عمر و کاهش باروری، به تغییرات اساسی در ساختار خانوار و شیوع خانواده‌های چندنسلی و همچنین ترتیبات زندگی متنوع‌تری منجر شده است (Bengston, 2001; Bengtson & Robert, 1991).

گسترش خانواده‌های دارای چند نسل، به تبع خود نقش‌های جدیدی را در بستر خانواده تحمیل کرده است. در این زمینه کاهش مرگ‌ومیر و افزایش امید به زندگی، نقش پررنگ‌تری را ایفا کرده است؛ امروزه افراد نسبت به گذشته، بخش بیشتری از دوران بزرگسالی خود را با حضور والدینشان سپری می‌کنند و به‌طور بالقوه، توانایی ایجاد روابط بین نسلی پایدارتری را دارند (Bengston, 2001; Seltzer & Bianchi, 2013; Bianchi, 2014).

برای مثال در رژیم جمعیتی جدید، عوامل و زمینه‌های مؤثر بر انتقال به نقش پدربزرگی / مادربزرگی و روابط بین نسلی با نوادگان، از جمله موضوعات تازه حوزه پژوهشی جدیدی به نام جمعیت‌شناسی

<sup>1</sup> Role strain

پدر/مادربزرگی<sup>۲</sup> است (Margolis & Verdery, 2016; Margolis, 2016). توجه به این حوزه جدید، از بقای بیشتر سالمندان و بالا رفتن احتمال پدربزرگی یا مادربزرگی شدن آنها ناشی شده است. نتایج پژوهش جالب‌توجهی در این زمینه نشان داده است که امروزه شانس زنده‌بودن مادربزرگ یک کودک، بیشتر از شانس زنده‌بودن مادر یک کودک در قرن گذشته است (Uhlenberg, 1996)؛ به همین دلیل اخیراً به‌طور ویژه‌ای، به اهمیت اقتصادی-اجتماعی انتقالات بین نسلی (مانند پول و زمان) میان اعضای خانواده در سنین مختلف، تأکید و به آن توجه شده است (Albertini et al., 2007; Dukhovnov & Zagheni, 2015; Donehower, 2019; تراپی و سراونی، ۱۴۰۲).

به موازات شکل‌گیری چنین پارادایمی، دوران میان‌سالی به‌عنوان یک مرحله حساس در مسیر زندگی فردی و خانوادگی افراد برجسته شده است. عمده مطالعاتی که در جوامع غربی و با رویکرد جمعیت‌شناختی به این مسئله نگریسته‌اند، میان‌سالی را به‌ویژه برای زنان، دوران گیرافتادگی<sup>۳</sup> یا ساندویچ‌شدگی<sup>۴</sup> بین نیازهای دو نسل، یعنی فرزندان و والدین، معرفی کرده‌اند (Rosenthal et al., 1996; Miller, 1981; Grundy & Henretta, 2006)؛ زیرا از یک‌سو افزایش سن ازدواج و تأخیر در فرزندآوری باعث شده است تا افراد در سنین بالاتری با مسئولیت‌های فرزندپروری مواجه شوند و از سوی دیگر، احتمال داشتن والدین سالمند و نیازمند به مراقبت در این سنین، بیشتر شده است. مسئله بحث‌شده با حضور بیشتر زنان در عرصه عمومی و افزایش اشتغال دستمزدی آنان، پیچیده و چالش‌برانگیزتر شده است (Daatland et al., 2010).

افزایش مشارکت زنان در نیروی کار، به این معنی است که تعداد فزاینده‌ای از زنان با کشمکش بین مسئولیت‌های کاری و خانوادگی خود مواجه‌اند، پدیده‌ای که بیشتر با اصطلاح بار مضاعف<sup>۵</sup> یا نوبت دوم<sup>۶</sup> مشخص می‌شود (Bratberg et al., 2002; Hochschild & Machung, 2012).

<sup>2</sup> Demography of grandparenthood<sup>3</sup> Caught<sup>4</sup> Sandwichness<sup>5</sup> double burden<sup>6</sup> second shift

بالاتر، میانگین سنی جمعیت کشور افزایش می‌یابد. مطابق آمارهای موجود، جمعیت ایران از سال ۱۳۹۵ از جوانی وارد فاز میان‌سالی (جمعیت ۳۰ تا ۶۴ ساله مدنظر بوده است) شده است و تا چند دهه، در این مرحله باقی خواهد ماند؛ به طوری که پیش‌بینی می‌شود در سال‌های ۱۴۰۵ و ۱۴۱۰، سهم میان‌سالان از جمعیت کشور، به بیش از ۵۰ درصد برسد (عباسی شوازی و همکاران، ۱۳۹۷: ۴۳).

در کنار گذار سنی، معمولاً گذار جمعیتی با تغییرات عمده‌ای در اندازه و ساختار خانوار نیز همراه است که به آن گذار خانواده یا خانوار می‌گویند (ویکس، ۱۳۹۵). این مسئله با توجه به ارتباط نزدیک خانواده و کار، به عنوان یکی از منابع اصلی تعارض نقش (Greenhaus & Beutell, 1985)، در این مطالعه شایسته بررسی است. با توجه به روندهای اخیر پویایی خانوار در ایران که بیانگر گذار از خانواده گسترده به هسته‌ای و ظهور اشکال جدید خانوار، مانند تک‌والد، زن سرپرست، بی‌فرزند و غیره بوده است (Aghajanian & Thompson, 2013؛ Torabi et al., 2015؛ بگی و عباسی شوازی، ۱۳۹۹)، شناخت بستر خانواده معاصر ایرانی، یک مانع بالقوه در میزان اشتغال زنان، همچنان بکر و درخور توجه است. غلبه الگوی مرد نان‌آور و زن خانه‌دار، باعث شده است تا تفاوت‌های چشمگیری در میزان مشارکت در کار دستمزدی و فعالیت در امور مربوط به خانه، در میان مردان و زنان ایرانی مشاهده شود. ترابی (۱۳۹۹ الف و ب) با بهره‌گیری از داده‌های گذران وقت در مناطق شهری ایران، نشان داد میزان مشارکت زنان در فعالیت‌های مربوط به خانه، پنج برابر بیشتر از مردان است. شواهد درباره اختصاص زمان به نقش مراقبت از اعضای خانوار نیز، نشان داده است که پس از تعدیل متغیرهایی نظیر سن، تحصیلات، وضع زناشویی و وضع اشتغال نیز، زنان زمان بیشتری را نسبت به مردان برای مراقبت از کودکان، بزرگسالان و مواظبت هم‌زمان از هر دو گروه حاضر در خانوار (مراقبت ساندویچی) صرف می‌کنند (ترابی و سروانی، ۱۴۰۲).

به‌طور کلی، بخش درخور توجهی از زمان روزانه

نظر به پویایی‌های جمعیت‌شناختی در روندهای ازدواج و طلاق والدین و فرزندان، ترتیبات زندگی نیز در دوران میان‌سالی برای مردان و زنان، الگوهای پیچیده و متنوع‌تری را پیدا کرده است (Demey et al., 2011). برخی از محققان، اصطلاح «آشپانه شلوغ»<sup>۱</sup> را در توصیف این دوره از زندگی به کار برده‌اند که در مقابل مرحله آشپانه خالی<sup>۲</sup>، یعنی زمانی قرار می‌گیرد که تمامی فرزندان، خانه والدین را ترک می‌کنند (Lingren & Decker, 1992). با وجود این، آنچه مبرهن به نظر می‌رسد این است که عموم افراد اصولاً و اخلاقاً نمی‌توانند نیازهای مراقبتی سالمندان و کودکان را رها و یا آنها را تقسیم‌بندی کنند. خانواده‌ها ملزم به فراهم کردن هر دو نوع خدمات‌اند و با توجه به اینکه در دنیای مدرن، برخلاف نظام سنتی، امکان نقش‌پردازی مرحله‌ای<sup>۳</sup> برای چنین مسئولیت‌هایی وجود ندارد، بسیاری از زنان و حتی مردان، در سنین میان‌سالی، با تلاقی بین مسئولیت‌های شغلی و خانوادگی - نقش‌های همسری، والدینی، خانه‌داری و مراقبت - مواجه‌اند (Rosenthal et al., 1996; Evandrou et al., 2002).

سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود، این است که چه عوامل و زمینه‌هایی بر ضرورت بررسی مسئله چندنقشی در میان‌سالی در ایران می‌افزاید؟ شرایط اجتماعی، فرهنگی و جمعیتی خاصی که توجه به مسئله بحث‌شده در ایران را برجسته می‌کند، در ادامه بیان می‌شوند. در نگاه نخست، تغییرات ساختار سنی جمعیت کشور، مستقیماً در ارتباط با گروه هدف این مطالعه قرار می‌گیرد. کاهش سریع میزان باروری کل ایران، از حدود ۷ فرزند در سال ۱۳۵۸ به ۱٫۹ فرزند در سال ۱۳۸۵ (Abbasi-Shavazi et al., 2009)، رسیده است و به این معناست که گذار سنی جمعیت کشور نیز، از سرعت درخور توجهی برخوردار خواهد بود. در واقع در چنین وضعیتی، با انتقال نسل بزرگ دوران اوج باروری ایران (یا متولدان میانه دهه ۱۳۵۰ تا میانه دهه ۱۳۶۰) به سنین

<sup>1</sup> Cluttered nest

<sup>2</sup> Empty nest

<sup>3</sup> Sequential staging of roles

زندگی شخصی و خانوادگی افراد، برجسته می‌کند (Elder & Giele, 2009; Mayer, 2009). به تعبیر ساده‌تر، رویکرد مسیر زندگی می‌خواهد به ما بگوید که رفتارها و نگرش‌های افراد و گروه‌ها، زمانی به بهترین شکل تبیین می‌شود که تجربیات رویدادهای قبلی و گذارها و مسیرهایی را در نظر بگیریم که در طول زندگی برای رسیدن به نقطه‌ای خاص (مرحله مطالعه‌شده)، پشت سر گذاشته‌اند (Lee et al., 2022). در هر مرحله از زندگی، مردان و زنان با مجموعه‌ای از انتظارات خانوادگی متفاوتی مواجه می‌شوند که در ساختارهای خویشاوندی و روابط جنسیتی حاکم بر جامعه ریشه دارد. این رویکرد بر توجه همه‌جانبه به عوامل سطح خرد (فردی) و کلان (اجتماعی-ساختاری) مؤثر بر موضوع مطالعه‌شده در مراحل مختلف زندگی، تأکید می‌کند؛ برای مثال در تحقیقات مربوط به کار خانگی یا مراقبت غیر دستمزدی از سالمندان و کودکان، باید به عوامل مختلفی نظیر فرزندآوری (گذار به والدینی یا گذار به پدر/مادربزرگی)، مشارکت در بازار کار، بازنشستگی و دیگر فعالیت‌های اجتماعی توجه شود؛ زیرا بودجه زمانی در اختیار این افراد، می‌تواند بین امور نگهداری خانه، تربیت فرزندان/نوادگان، مراقبت از والدین/همسر، اشتغال، فعالیت‌های اجتماعی، تفریح و اوقات فراغت و غیره، در رقابت باشد. با توجه به اینکه بسیاری از گذارهای نام‌برده در مرحله میان‌سالی، از مسیر زندگی افراد رخ می‌دهد، توجه به این رویکرد نظری مفید خواهد بود. یافته‌های تجربی مرتبط با این رویکرد، نشان داده است که تقاضا برای کار خانگی با حضور کودکان در خانوار و افزایش سن آنها بیشتر می‌شود (South & Spitze, 1994; Yu & Moen, 1997; Baxter et al., 2008؛ ترابی، ۱۳۹۹ الف)، از طرف دیگر تقسیم کار و به اشتراک گذاری نقش‌های خانگی بین همسران، معمولاً در مراحل اولیه چرخه زندگی خانوادگی بیشتر است و در سال‌های آخر عمر، کمتر می‌شود (Haas, 1981). دسته دیگری از تحقیقات که با رویکرد مسیر زندگی قرابت دارند، الگوی سنی و جنسی ارائه مراقبت را بررسی کرده‌اند؛ برای مثال، زنان بیشترین میزان

شهروندان زن ایرانی، به‌جای اختصاص به فعالیت‌های مزدی و شغلی، صرف فعالیت‌های غیر دستمزدی مرتبط با خانه و خانوار می‌شود (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۹)؛ به همین دلیل، باید توجه داشت که غفلت از نقش خانه‌داری، تحلیل‌های مرتبط با تلاقی نقش‌ها در بستر جامعه ایران را منحرف می‌کند. با وجود توجه برخی از مطالعات داخلی به مسئله چندنقشی زنان و پیامدهای فردی، اجتماعی و اقتصادی آن (رستگار خالد، ۱۳۸۳ و ۱۳۸۴؛ سفیری و زارعی، ۱۳۸۵؛ گروسی و آدینه‌زاد، ۱۳۸۹؛ افشانی و هاتقی‌راد، ۱۳۹۶؛ ادیب و همکاران، ۱۳۹۹)، این موضوع تاکنون در سطح کلان بررسی نشده است. بر همین اساس، پژوهش حاضر در نظر دارد تا با استفاده از داده‌های آخرین پیمایش گذران وقت، مناطق شهری کشور (۱۳۹۹-۱۳۹۸) و با هدف پرکردن خلأ مطالعاتی موجود، الگوی چندگانگی نقش‌ها و ارتباط آن با برخی از مشخصه‌های اجتماعی و جمعیت‌شناختی میان‌سالان را در بستر جامعه شهری ایران کشف کند. همان‌گونه که پیش از این بیان شد، توجه به این موضوع در دوره میان‌سالی، از این جهت اهمیت دارد که احتمال مشارکت در بازار کار و نیاز به مراقبت هم‌زمان از فرزندان و والدین در این دوره سنی، بیش از دوره جوانی یا سالمندی است. در این راستا، سعی می‌کنیم به سؤالات زیر پاسخ دهیم:

- ۱) چه نسبتی از زنان و مردان میان‌سال، در چندین نقش مشارکت دارند؟
- ۲) الگوی چندگانگی نقش‌ها در میان‌سالی براساس ویژگی‌های جمعیتی، چگونه تغییر می‌کند؟

### پیشینه نظری و تجربی

#### نظریه‌ها و مطالعات مربوط به رویکرد مسیر زندگی

یکی از رویکردهای نظری مرتبط با موضوع بحث‌شده، چارچوب مسیر زندگی<sup>۱</sup> است. این رویکرد، اهمیت زمان‌بندی و توالی رویدادهای مهم زندگی را در یک بستر اجتماعی-فرهنگی خاص، در تبیین خروجی‌ها و مسیرهای مختلف

<sup>1</sup> Life Course

می‌دهد که این موارد بر اهمیت و ضرورت بررسی این موضوع می‌افزاید. با افزایش میانگین سال‌های زندگی و مطرح شدن سالمندی سالم<sup>۳</sup> در گفتمان غالب سیاست‌گذاری سلامت، به سنین میان‌سالی به‌عنوان دوران میانجی و تأثیرگذار بر این فرایند، بیشتر توجه شده است. پژوهشی در این زمینه نشان داده است که مضامینی چون سلامت جسمانی، سلامت روانی، رفاه مالی و حمایت اجتماعی، اصلی‌ترین مشخصه‌های سالمندی سالم در نزد میان‌سالان در نظر گرفته می‌شود (Solhi et al., 2022). با توجه به شیوع چندنقشی به‌عنوان یکی از مشخصه‌های دوران میان‌سالی (Brody, 1996; Rosenthal et al., 1981)، عمده مطالعات انجام‌شده، به بررسی رابطه بین مسئولیت‌های چندگانه زندگی و سنجه‌های مختلف سلامت جسمی و روانی افراد متمرکز شده است. جالب توجه است که یافته‌های این مطالعات، محدود به پیامدهای منفی نبوده است. به طور کلی تحقیقات در این زمینه، دو دیدگاه نظری متضاد را منعکس می‌کند؛ نخست نظریه فشار نقش<sup>۴</sup> است که به رابطه منفی بین تعهدات چندنقشی و سلامت معتقد است (Goode, 1960) و دوم، انباشت نقش<sup>۵</sup> یا ازدیاد نقش<sup>۶</sup> است که نشان می‌دهد اشتغال به نقش‌های متعدد، تأثیرات مثبتی را بر سلامت جسمی و روحی افراد دارد (Sieber, 1974; Thoits, 1986). در دهه ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰، عمده تحقیقات مربوط به حوزه خانواده براساس نظریه فشار نقش، صورت‌بندی می‌شدند. این نظریه بیان می‌کند که محدودیت‌هایی برای زمان و منابع انرژی در اختیار افراد وجود دارد و نیازهای مختلف مراقبت از والدین و/یا فرزندان، کارهای خانگی و مسئولیت‌های خارج از خانه، مانند اشتغال - که در مجموع بار سنگینی را بر دوش فرد ایجاد می‌کنند - در رقابت با این منابع اند (Manor, 2021).

یافته‌های تجربی در این زمینه نشان داده است که مطالعات حوزه سلامت، علاوه بر اینکه بر زنان میان‌سال متمرکز

مراقبت غیررسمی از نزدیکان را در سنین میان‌سالی انجام می‌دهند و تنها در سنین پایانی عمر، الگوی جنسیتی مراقبت، رنگ مردانه به خود می‌گیرد که عمدتاً مربوط به مراقبت همسران سالمند است (Dahlberg et al., 2007; Dukhonov & Albertini, 2016; Zagheni, 2015; Robards et al., 2015). سروانی، ۱۴۰۲). پاترسون و مارگولیس<sup>۱</sup> (2019) نشان داده‌اند بیشترین مضیقه ایجادشده برای مردان و زنانی که مراقبت چندنسلی را هم‌زمان انجام می‌دهند، در دو مرحله حیاتی از مسیر زندگی آنها، یعنی اوایل بزرگسالی و نزدیک سن بازنشستگی (اواخر میان‌سالی)، رخ می‌دهد که این وضعیت در کنار دیگر مسئولیت‌های شغلی و خانگی این افراد، موجب تشدید خستگی و فشارهای روحی می‌شود. اوفیر و پولوس<sup>۲</sup> (2021) نیز با استفاده از سنجه جدیدی از مراقبت، که سال‌های مورد انتظار قرارگرفتن در نقش مراقب را برای افراد تخمین می‌زند، نتیجه گرفتند که انتظار می‌رود زنان در مقایسه با مردان، به طور میانگین ۶ سال بیشتر عمر خود را در نقش یک مراقب غیررسمی سپری کنند. شایان ذکر است که این نابرابری جنسیتی، محدود به نقش مراقبتی نیست و به دیگر نقش‌های زنان (به‌عنوان همسر، مادر و فرزند) نیز تسری می‌یابد؛ زیرا زنان بیشتر از مردان، کارهای خانه را انجام می‌دهند، مادران بیشتر از پدران به کارهای مربوط به کودک رسیدگی و دختران بیشتر از پسران، از والدین مراقبت می‌کنند (Grigoryeva, 2017).

### نظریه‌ها و مطالعات مرتبط با سلامت

در پیشینه پژوهشی این حوزه، توجه به شدت نقش‌های شغلی-خانوادگی، عمدتاً از نظر پیامدهای تأثیرگذار بر سلامت جسمی و روانی افراد مطالعه شده است. تعهد هم‌زمان به چندین نقش و تلاقی آنها با یکدیگر در یک دوره نسبتاً طولانی، زندگی افراد را از جنبه‌های مختلف تحت تأثیر قرار

<sup>3</sup> Healthy Ageing

<sup>4</sup> Role strain

<sup>5</sup> Role accumulation

<sup>6</sup> Role enhancement

<sup>1</sup> Patterson & Margolis

<sup>2</sup> Ophir & Polos

Nathanson, 1980; Voydanoff & Donnelly, 1999; Kang & Jang, 2020). با وجود این، باید خاطر نشان کرد که چنین مطالعاتی، بیشتر ماهیت مقطعی داشته و تعیین جهت رابطه بین دو مقوله و اینکه آیا داشتن چند نقش علت سالم‌تربودن افراد است یا عموماً افراد سالم‌تر با احتمال بیشتری به چندین نقش مشغول‌اند، دشوار به نظر می‌رسد.

لاکمن<sup>۸</sup> (2004) در این زمینه استدلال می‌کند که هر دو نظریه مسیر زندگی و فشار نقش، برای درک بهتر مرحله میان‌سالی از چرخه زندگی افراد مفیدند؛ زیرا افراد میان‌سال معمولاً در چندین نقش خانوادگی و اجتماعی مشغول‌اند و گاهی اوقات لازم است زمان و منابع خود را اولویت‌بندی کنند. علاوه بر این، حتی اگر فرزندان بالغ آنها دیگر در خانه زندگی نکنند، نقش والدینی آنها پایان نمی‌یابد، بلکه این نقش، جای خود را به مجموعه‌ای از وظایف جدید، مانند مراقبت از نوه‌ها یا والدین مسن واگذار می‌کند. با وجود اهمیت هر دو نگاه (شیوع و شدت نقش‌های چندگانه در مراحل مختلف زندگی و همچنین پیامدهای مثبت و منفی آن بر سلامت)، پژوهش حاضر بر مورد اول متکی است و با رویکرد مسیر زندگی، قرابت بیشتری دارد؛ زیرا اولاً، داده‌های استفاده‌شده، اطلاعاتی درباره وضعیت سلامت افراد به ما نمی‌دهد و ثانیاً، هدف اصلی این مطالعه از ابتدا، کشف و ترسیم الگوی تلاقی نقش در بین میان‌سالان بوده است. توجه به این نکته نیز اهمیت دارد که داده‌های طولی، مناسب‌ترین داده‌ها برای بررسی تجارب واقعی افراد در طول مسیر زندگی آنهاست. داده‌های مقطعی گذران وقت، که در این مقاله به کار می‌روند، تنها تصویری از چندگانگی نقش‌ها را در میان‌سالی ارائه می‌کنند و تجارب افراد در قبل از این دوره سنی، وارد تحلیل نخواهد شد. این مسئله، برای این مطالعه که تلاش می‌کند با رویکردی اکتشافی، وضعیت تلاقی نقش‌ها را در یک دوره سنی خاص، در سطح ملی به تصویر درآورد، محدودیتی ایجاد نمی‌کند؛ اما وجود داشتن پیمایش‌های طولی خانواده در کشور، مسیر شناخت تغییرات تجربه چندگانگی

<sup>8</sup>Lachman

بوده‌اند، عمدتاً چالش‌های فردی-اجتماعی مرتبط با نقش مراقبت از نیازمندان و سالمندان حاضر در خانوار را به تصویر کشیده‌اند؛ زیرا به‌طور کلی نقش مراقبت، نسبت به دیگر نقش‌ها، فشار و استرس بیشتری را بر فرد مراقب متحمل می‌کند؛ برای مثال بک و همکاران<sup>۱</sup> (1997)، جنکینز<sup>۲</sup> (1997)، شولز و شرود<sup>۳</sup> (2008)، گراندی و هنریتا<sup>۴</sup> (2006) و همسر و نیل<sup>۵</sup> (2008) در مطالعات خود، سطوح بالاتری از استرس روانی گزارش شده را در میان زنان با نقش‌های متعدد نشان داده‌اند. بعد خانوار نیز در این زمینه، متغیری اثرگذار بوده است. دو و همکاران<sup>۶</sup> (2014) نشان دادند که رابطه بین مراقبت و سلامت ضعیف‌تر، به‌طور کلی با تعداد کودکان حاضر در یک خانوار افزایش می‌یابد. این وضعیت درباره کسانی شدیدتر است که مراقبت چندنسلی را ارائه می‌دهند. چاسین و همکاران<sup>۷</sup> (2010) رابطه بین عضویت در نسل ساندویچی و رفتارهای سلامت‌محور را بررسی کردند و نشان دادند مراقبان چندنسلی نسبت به افراد غیرمراقب و کسانی که فقط از کودکان مراقبت می‌کنند، رفتارهای خطرزا و ضد سلامت (سیگارکشیدن، ورزش نکردن و نیستن کمربند ایمنی) بیشتری را از خود نشان می‌دهند. همچنین باید گفت علاوه بر پیامدهای مربوط به سلامت، نظریه فشار نقش بیان می‌دارد که بار وظایف چندگانه در داخل خانه (مراقبت و کار خانگی)، بر عملکرد و کارایی فرد در محل کار تأثیر می‌گذارد (Pagani & Marenzi, 2008).

در مقابل، بخش دیگری از تحقیقات سلامت با تأکید بر نظریه انباشت نقش، نشان داده‌اند زنانی که نقش‌های متعددی را ایفا می‌کنند، نسبت به زنانی که نقش‌های کمتری را بر عهده دارند، به دلیل پیامدهای مثبتی که از طریق ارائه مزایایی مانند رضایت و احساس خودکارآمدی دریافت می‌کنند، سالم‌ترند و تحت فشار روانی کمتری قرار دارند (Adelman, 1994; )

<sup>1</sup> Beck et al.

<sup>2</sup> Jenkins

<sup>3</sup> Schulz & Sherwood

<sup>4</sup> Grundy & Henretta

<sup>5</sup> Hammer & Neal

<sup>6</sup> Do et al.

<sup>7</sup> Chassin et al.



نقش‌ها را در مسیر زندگی افراد و علل و پیامدهای این تغییرات را در مطالعات آینده، با چالش روبه‌رو می‌کند.

### روش تحقیق و داده‌ها

این مقاله، به تحلیل ثانویه داده‌های پیمایش گذران وقت در سال ۱۳۹۹-۱۳۹۸ می‌پردازد. آمارگیری‌های گذران وقت را مرکز آمار ایران و با هدف ارائه اطلاعات مربوط به شناخت نوع و مدت‌زمان فعالیت‌های انجام‌شده توسط افراد جامعه در نقاط شهری کشور اجرا کرده است. داده‌های طرح مذکور، تنها داده‌های مناسب و در دسترس برای پاسخ به سؤالات این پژوهش در سطح ملی‌اند. جامعه آماری این پیمایش شامل کلیه افراد ۱۵ ساله و بالاتر ساکن در خانوارهای شهری کشور است و داده‌ها کلیه فعالیت‌های روزانه افراد و همچنین متغیرهای جمعیتی، اقتصادی و اجتماعی را در سطح فرد و خانوار شامل می‌شود (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۹). همچنین، در هر دوره از پیمایش، اطلاعات در چهار مقطع (چهار فصل سال) جمع‌آوری شده است تا تفاوت‌های فصلی در الگوهای گذران وقت، مشاهده‌شدنی باشد. روش نمونه‌گیری در این پیمایش، خوشه‌ای سه مرحله‌ای بوده است و براساس نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن در سال ۱۳۹۵، در مجموع تعداد ۱۰۰۸ حوزه شهری از تمامی استان‌های کشور در پیمایش لحاظ شده‌اند (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۹).

با توجه به هدف مقاله درباره کشف الگوی چندگانگی نقش‌ها در سنین میان‌سالی، تأکید اصلی این پژوهش بر افراد میان‌سال حاضر در پیمایش است، با وجود این، شیوع چند نقشی در گروه‌های سنی جوان، میان‌سال و سالمند باهم مقایسه می‌شوند تا تصویر کلی از الگوی سنی این پدیده، ارائه شود. در تعاریف بین‌المللی، با تأکید بر ویژگی‌های بیولوژیکی و روان‌شناختی افراد، عموماً بازه سنی ۴۰ تا ۶۰ سالگی، دوران میان‌سالی تعریف می‌شود (دانشنامه بریتانیکا<sup>۱</sup>). این مقاله نیز میان‌سالان را افراد ۴۰-۵۹ ساله در نظر می‌گیرد که ۱۱۴۷۷ نفر

(۴۲،۷٪) از مجموع ۲۶۸۹۸ نفر پاسخگو را شامل می‌شوند. توجه به این نکته اهمیت دارد که صرف بر عهده داشتن چندین نقش، تصویر کاملی را از چندگانگی نقش‌ها ارائه نمی‌کند و شدت مشارکت در نقش‌ها نیز، بعد مهم دیگری را از الگوی چندگانگی نقش‌ها به تصویر درمی‌آورد که احتمالاً با سلامت ذهنی و جسمی افراد نیز، رابطه دارد. به همین منظور در این مقاله، علاوه بر تصرف نقش<sup>۲</sup>، شدت نقش<sup>۳</sup> نیز بررسی می‌شود. به عبارت دیگر در کنار بررسی فراوانی نقش‌ها و تلاقی آنها، فراوانی افرادی نیز بررسی می‌شود که این نقش‌ها را با شدت بیشتری تجربه می‌کنند (جدول ۱). شایان ذکر است که برخی از مطالعات قبلی نیز بر اهمیت به‌کارگیری این دو مقوله تأکید کرده‌اند (Bartley et al., 1992; Pienta et al., 1994; Evandrou et al., 2002; Glaser et al., 2006) در ادامه، هرکدام از سه نقش عمده تحلیل‌شده را براساس متغیرهای موجود در پیمایش گذران وقت، تعریف می‌کنیم.

**نقش خانگی:** معمولاً کار مراقبت غیر دستمزدی<sup>۴</sup> به‌عنوان ارائه خدمات غیر دستمزدی مرتبط با مدیریت و نگهداری خانه و همچنین خدمات مراقبتی برای اعضای حاضر در خانوار تعریف می‌شود که در مقابل بازار کار مزدی<sup>۵</sup> قرار می‌گیرد (ILO, 2018: 6). با توجه به اهمیت نظری نقش والدینی و همچنین با استناد به مطالعات قبلی انجام‌شده در ایران که تفاوت‌های چشمگیری را در الگوی اختصاص زمان به نقش‌های خانگی و والدینی نشان داده‌اند (Torabi, 2021 & 2022)، در این مقاله نیز نقش والدینی از نقش خانگی (شامل فعالیت‌های خانه‌داری و مراقبت) تفکیک شده است؛ بنابراین کسانی که حداقل زمان ممکن را برای این فعالیت‌ها در پیمایش به ثبت رسانده‌اند، جزء تصرف‌کنندگان نقش خانگی در نظر گرفته شده‌اند.

شدت بار خانگی نیز با معیار زمانی اختصاص ۵ ساعت و بیشتر در شبانه‌روز، به فعالیت‌های مذکور تعریف شده است.

<sup>2</sup> Role occupancy

<sup>3</sup> Role intensity

<sup>4</sup> Unpaid Care Work

<sup>5</sup> Paid Work

<sup>1</sup> Encyclopædia Britannica

زمان پیمایش، به اشتغال مزدی مشغول بوده‌اند. افرادی که در شبانه‌روز مدت‌زمان بیش از ۷ ساعت را به فعالیت‌های دستمزدی اختصاص داده‌اند، جزء کسانی قلمداد شده‌اند که نقش اشتغال را با شدت بیشتری (تمام‌وقت) بر عهده داشته‌اند. معیار ۷ ساعت کار در روز، با توجه به ماده ۵۱ قانون کار کشور انتخاب شده است که در آن ساعات کار برای کارکنان مشاغل عادی، ۴۴ ساعت در هفته (روزانه حدود ۷ ساعت - بدون احتساب روز جمعه) تعیین شده است.<sup>۳</sup>

#### جدول ۱- تعاریف عملیاتی نقش‌ها با استفاده از اطلاعات پیمایش گذران وقت

**Table 1- Operational definitions of roles using information of time-use survey**

تعریف نقش	تعریف شدت نقش
خانگی: اختصاص حداقل زمان ثبت شده (۱۵ دقیقه) در شبانه‌روز، به ارائه خدمات غیر مرتبط با خانه و اعضای خانوار (از قبیل تمیزکاری خانه، خرید و پختن غذا و مراقبت از بزرگسالان وابسته و مستقل حاضر در خانوار)	اختصاص ۵ ساعت یا بیشتر در شبانه‌روز به ارائه خدمات غیر دستمزدی مرتبط با خانه و اعضای خانوار (از قبیل تمیزکاری خانه، خرید و پختن غذا و مراقبت از بزرگسالان وابسته و مستقل حاضر در خانوار)
والدینی: حضور حداقل یک فرزند در خانه (فارغ از سن فرزند)	حضور حداقل یک فرزند وابسته* یا فرزند بزرگسال در خانه که یا (۱) نیازمند مراقبت روزانه باشد؛ (۲) غیر شاغل باشد؛ (۳) طلاق گرفته و یا بیوه باشد.
شغلی: اختصاص حداقل زمان ثبت شده (۱۵ دقیقه) در شبانه‌روز، به هرگونه فعالیت مزدی	اختصاص حداقل ۷ ساعت یا بیشتر در شبانه‌روز به هرگونه فعالیت مزدی

فرزندان زیر ۱۶ سال، وابسته در نظر گرفته شده‌اند.

رابطه همبسته‌های جمعیت‌شناختی افراد با تلاقی نقش‌ها (تحلیل چندمتغیره) در این مطالعه، با استفاده از تکنیک آماری

شایان ذکر است که در مطالعات پیشین نیز (Dukhovnov & Zagheneh, 2015; Pailhé et al., 2020) مدت‌زمان اختصاص داده شده به کار خانگی، معیاری برای سنجش شدت آن نقش به کار رفته و صرفاً عدد ۵ در این مطالعه، برحسب نظر و سلیقه نویسندگان انتخاب شده است.

نقش والدینی: درباره نقش والدینی، ترتیبات زندگی<sup>۱</sup> را می‌توان با میزان فعالیت در این نقش، مرتبط دانست. فرزندان که با والدین خود زندگی می‌کنند، احتمالاً نسبت به آنهایی که خانه والدینی را ترک کرده‌اند، تقاضای بیشتری برای دریافت خدمات و کمک (غیرمالی) از سوی والدین دارند. بر همین اساس، حضور حداقل یک فرزند در خانه، فارغ از هر سنی که داشته باشد، معیار انجام نقش والدینی در نظر گرفته می‌شود.

با توجه به مطالعات پیشین، می‌توان شدت بار والدینی را از طریق معیارهای متنوع‌تری سنجید. یکی از این موارد، سن فرزندان است. احتمالاً فرزندان وابسته (زیر ۱۶ سال)، بیشتر از فرزندان بزرگسال نیازمند توجه و صرف وقت از سوی والدین‌اند. معیار ۱۶ سال، با توجه به نزدیک بودن این سن به مرز میان کودکی و بزرگسالی و به تبعیت از مطالعه اواندرو و همکاران<sup>۲</sup> (2002)، در نظر گرفته شده است. فرزندان بزرگسال نیز در شرایط خاص، بر شدت بار والدینی پدر/مادرها می‌افزایند؛ برای مثال فرزندان بزرگسال بیمار که نیازمند دریافت مراقبت روزانه‌اند و همچنین آنهایی که تحت شرایط استرس‌زا، مانند از دست دادن شغل یا طلاق و فوت همسر قرار دارند، ممکن است به سطح بالایی از حمایت والدینشان نیاز داشته باشند. خوشبختانه داده‌های پیمایش گذران وقت، امکان بررسی موارد مذکور را به محقق داده است؛ بنابراین هر دو معیار حضور فرزندان وابسته و فرزندان بزرگسال نیازمند مراقبت، غیر شاغل و بیوه یا مطلقه، شاخص‌های معرف شدت بار والدینی افراد در نظر گرفته شده‌اند (جدول ۱).

نقش شغلی: شاغلان به‌عنوان افرادی تعریف شده‌اند که در

<sup>1</sup> Living arrangement

<sup>2</sup> Evandrou et al

<sup>۳</sup> قانون کار جمهوری اسلامی، مصوب ۱۳۶۹

### یافته‌های توصیفی

قبل از توصیف چندنقشی در میان‌سالان و مقایسه آن با دیگر دوره‌های سنی، ساختار سنی نمونه به تفکیک جنس پاسخگویان در جدول ۲ ارائه می‌شود. همان‌طور که مشاهده می‌شود، جمعیت میان‌سال بیشترین فراوانی را دارند و پس از آن جوانان و سالمندان قرار می‌گیرند. مردان نسبت به زنان، سهم بیشتری از میان‌سالان و سالمندان را به خود اختصاص داده‌اند و این رابطه در میان افراد کمتر از ۴۰ سال، معکوس است. دیگر ویژگی‌های میان‌سالان، که گروه هدف را در این مقاله تشکیل می‌دهند، پس از توصیف تلاقی نقش‌ها، معرفی خواهند شد.

جدول ۲- توزیع نمونه به تفکیک سن و جنس، پیمایش گذران وقت (۱۳۹۸-۱۳۹۹)

**Table 2- Distribution of the sample by age and sex, time-use survey (2019-2020)**

گروه سنی	مرد		زن		کل	
	درصد (ستونی)	تعداد	درصد (ستونی)	تعداد	درصد	تعداد
۱۵-)	۳۲٫۳٪	۴۰۱۹	۳۹٫۸٪	۵۷۶۰	۳۶٫۳٪	۹۷۷۹
۳۹-)						
ساله (۴۰-)	۴۵٫۲٪	۵۶۱۴	۴۰٫۵٪	۵۸۶۳	۴۲٫۷٪	۱۱۴۷۷
۵۹-)						
ساله (۶۰-)	۲۲٫۵٪	۲۷۹۳	۱۹٫۷٪	۲۸۴۹	۲۰٫۰٪	۵۶۴۲
ساله و بیشتر)						

در شکل ۱، نقش‌های چندگانه نمونه به تفکیک جنس و سه گروه سنی عمده مدنظر نشان داده شده است. یافته‌ها را می‌توان در سه بخش مرتبط با الگوهای سنی و جنسی سه نقشی، دو نقشی و تک‌نقشی بودن ارائه کرد. درباره تلاقی سه

رگرسیون پواسون<sup>۱</sup> و با استفاده از بسته آماری استیتما<sup>۲</sup> (نسخه ۱۷) انجام شده است. متغیر وابسته در این تحلیل، به‌عنوان تعداد نقش‌های شدید تعریف شده و دامنه آن از صفر تا سه نقش متغیر است؛ به طوری که، به افرادی که به هیچ یک از نقش‌های سه‌گانه مشغول نباشند، عدد صفر و به افرادی که در یک، دو و یا هر سه نقش، به‌طور هم‌زمان فعالیت دارند، به ترتیب اعداد ۱، ۲ و ۳ تعلق می‌گیرد. متغیرهای مستقل نیز شامل جنس، گروه سنی، وضع زناشویی، تحصیلات و بُعد خانوارند. شایان ذکر است که انتخاب متغیرهای مستقل در تحقیق حاضر، با توجه به اطلاعات موجود در پیمایش گذران وقت و نبود امکان بررسی موضوع در سطح کلان و ساختاری بوده است. رگرسیون پواسون نسبت به رگرسیون حداقل مربعات معمولی<sup>۳</sup>، از چند مزیت مهم در پاسخ به سؤالات پژوهش حاضر برخوردار است. نخست آنکه توزیع پواسون برای توصیف متغیرهای وابسته، محدود و گسسته (در مقابل متغیرهای پیوسته) استفاده می‌شود؛ دوم اینکه توزیع پواسون اریب (در مقابل توزیع متقارن) و غیرمنفی است و سوم اینکه در رگرسیون پواسون، فرض واریانس ثابت وجود ندارد (Long, 1997).

### یافته‌ها

این بخش، به دو قسمت یافته‌های توصیفی و یافته‌های تحلیلی تقسیم می‌شود. در بخش توصیفی، سعی می‌کنیم ابتدا الگوی سنی تلاقی نقش‌های شغلی، خانگی و والدینی را کشف کنیم، پس از آن با تمرکز بر شدت نقش، فراوانی میان‌سالانی را بررسی می‌کنیم که این فعالیت‌ها را با شدت بیشتری انجام می‌دهند؛ در نهایت، برای بررسی تأثیر متغیرهای جمعیتی و اجتماعی بر شدت نقش‌ها برای جمعیت میان‌سال، از تحلیل رگرسیونی استفاده می‌کنیم.

<sup>1</sup> Poisson regression

<sup>2</sup> STATA

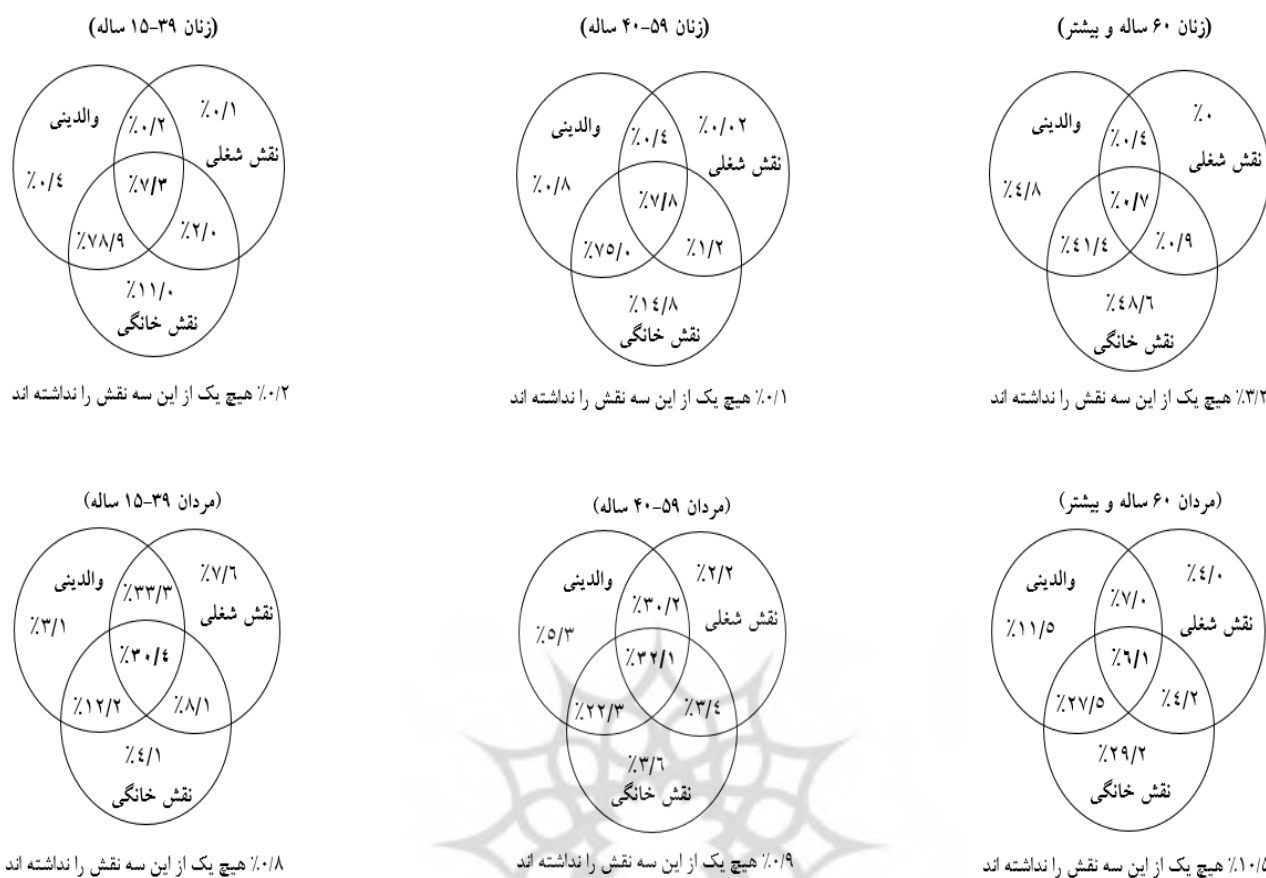
<sup>3</sup> ordinary least squares regression

می‌یابد (۴، ۴۱٪). این مسئله با توجه به مستقل شدن فرزندان در سنین سالمندی والدین و کاهش فعالیت‌های والدینی، انتظار می‌رود. دربارهٔ مردان، الگوی متفاوتی مشاهده می‌شود. مشارکت مردان سالمند در این دو نقش، از مردان میان‌سال نیز بیشتر است (۵، ۲۷٪ و ۳، ۲۲٪، به ترتیب)، اما دونقشی بودن در دو گروه، فاصلهٔ درخور توجهی با مردان کمتر از ۴۰ سال دارد (۲، ۱۲٪). به نظر می‌رسد کاهش فعالیت‌های دستمزدی مردان سالمند بازنشسته، تا حدی با افزایش مشارکت آنها در کارهای خانه و مراقبت از نوه‌ها جبران می‌شود.

تک‌نقشی بودن پدیده‌ای است که در میان سالمندان مشاهده می‌شود. در میان زنان سالمند نسبت به افرادی که فقط به کارهای خانگی مشغول‌اند، افزایش چشمگیری پیدا کرده است (۶، ۴۸٪ در مقابلهٔ کمتر از ۱۵٪ در گروه‌های سنی کمتر)؛ زیرا بسیاری از زنان در این سنین، از مسئولیت‌های والدینی فارغ می‌شوند. این وضعیت برای مردان نیز صادق است؛ زیرا با نزدیک شدن به سن بازنشستگی، فعالیت‌های شغلی به‌طور محسوسی کاهش می‌یابد و در مقابل، بر نسبت مردان سالمندی افزوده شده است که تنها به کارهای خانه مشغول‌اند (۲، ۲۹٪) یا هیچ‌یک از این سه نقش را بر عهده نداشته‌اند (۵، ۱۰٪). مشارکت نکردن در هیچ‌یک از این سه نقش در میان زنان سالمند، بسیار کمتر از مردان سالمند است (۲، ۳٪)؛ زیرا زنان از کار خانگی، که عمدهٔ فعالیت روزانهٔ آنها را تشکیل می‌دهد، بازنشسته نمی‌شوند، مگر آنکه ناتوانی و بیماری در طول عمر، مانع از این فعالیت برای آنها شود.

نقش خانگی، والدین و شغل، یافته‌ها با انتظارات نظری و مطالعات پیشین منطبق‌اند؛ زیرا بیشترین تلاقی سه نقش بررسی شده در میان‌سال‌ها هم برای مردان و هم برای زنان، مشاهده می‌شود. فراوانی مشارکت در سه نقش در میان این گروه و افراد جوان‌تر اندک است، اما شکاف درخور توجهی بین هر دو گروه و سالمندان وجود دارد. سه‌نقشی بودن در میان مردان میان‌سال، چهار برابر زنان میان‌سال است؛ به‌طوری که از هر ۳ مرد ۴۰ تا ۵۹ ساله، یک نفر در هر سه نقش فعال است. نکتهٔ حائز اهمیت دیگر، تفاوت چشم‌گیر در فعالیت‌های شغلی مردان و زنان است؛ به‌طوری که با اغماض از تعداد اندک زنان شاغل، چشم‌پوشی می‌شود. در مقابل، این تفاوت در فعالیت‌های والدینی و خانگی کمتر است. همین وضعیت باعث شده است تا تلاقی سه نقش در میان مردان شایع‌تر باشد.

همان‌طور که مشاهده می‌شود، اکثریت زنان دو نقش والدینی و خانگی را انجام می‌دهند. به عبارت دیگر، وضعیت بار مضاعف مسئولیت‌های شغلی و خانوادگی برای زنان ساکن در مناطق شهری ایران، چندان صادق نیست و این بار عمدتاً در بستر خانه و بین فعالیت‌های مرتبط با خانه و فرزندان به چشم می‌خورد. ۷۵ درصد زنان میان‌سال در دو نقش خانگی و والدینی مشارکت دارند و این در حالی است که رقم مشابه برای مردان میان‌سال، کمتر از یک‌سوم (۳، ۲۲٪) است. فراوانی تلاقی این دو نقش در میان زنان کمتر از ۴۰ سال، کمی بیشتر است (۹، ۷۸٪)، اما در سالمندان بسیار کاهش



شکل ۱- چندنقشی در نمونه به تفکیک جنس و گروه سنی، پیمایش گذران وقت (۱۳۹۸-۱۳۹۹)

Fig 1- Multiple roles occupancy in the sample by gender and age group, Time-use survey (2019-2020)

فوت، دومین وضعیت زناشویی پرتکرار در میان زنان است و پس از آن وضعیت بی‌همسری بر اثر طلاق قرار می‌گیرد که کمتر از یک درصد زنان میان‌سال را شامل می‌شود. بی‌همسری بر اثر طلاق و فوت، فراوانی یکسانی در میان مردان میان‌سال دارد و در این گروه نیز، وضعیت هرگز ازدواج‌نکرده، کمتر از یک درصد مردان را در بر می‌گیرد. مردان نسبت به زنان تحصیلات بیشتری دارند، به طوری که نسبت کمتری از آنها بی‌سوادند (۳،۶٪ در برابر ۸،۱۷٪) و نسبت بیشتری نیز تحصیلات متوسطه یا بیشتر دارند (۶۸،۷٪ در مقابل ۴۹،۷٪). میانگین بُعد خانوار نیز، که بیانگر متوسط تعداد افراد حاضر در خانوار است، برای مردان ۳/۵ و برای زنان ۳/۶ به دست آمده و تفاوت چشمگیری میان مردان و زنان در این زمینه، یافت نشده است.

با توجه به تمرکز مقاله بر دوره میان‌سالی به‌عنوان یک مرحلهٔ پرمسئولیت و افزایش مشارکت در نقش‌های چندگانه در این سنین، تحلیل‌های مربوط به شدت نقش، که در ادامه ارائه خواهد شد، تنها به میان‌سالان اختصاص می‌یابد. جدول ۳ ویژگی‌های مهم جمعیتی سن، وضعیت زناشویی، تحصیلات و بُعد خانوار میان‌سالان را به تفکیک جنس نشان می‌دهد. نسبت زنان و مردان میان‌سال با افزایش سن، کاهش می‌یابد که همسو با زمان گذار کشور به مرحلهٔ میان‌سالی یا نیمهٔ دههٔ ۱۳۹۰ است که کمتر از ۵ سال قبل از زمان گردآوری داده‌های تحلیل شده است. وضعیت زناشویی دارای همسر، وضعیت غالب در میان زنان و مردان است، هرچند نسبت بیشتری از مردان در مقایسه با زنان (۹۶،۴٪ و ۸۶،۱٪، به ترتیب) در این وضعیت به سر می‌برند. بی‌همسری بر اثر

جدول ۳- توزیع درصدی میان‌سالان براساس ویژگی‌های جمعیتی به تفکیک جنس، پیمایش گذران وقت (۱۳۹۸-۱۳۹۹)

Table 3- Percentage distribution of middle-aged people based on demographic characteristics by gender, Time-use survey (2019-2020)

مشخصه‌ها	زنان	مردان	زنان و مردان
جنس	۵۱/۱	۴۸/۹	۱۰۰
سن			
(۴۰-۴۴ ساله)	۳۲/۳	۳۱/۸	۳۲/۰
(۴۵-۴۹ ساله)	۲۴/۷	۲۶/۵	۲۵/۶
(۵۰-۵۴ ساله)	۲۲/۸	۲۲/۳	۲۲/۶
(۵۵-۵۹ ساله)	۲۰/۲	۱۹/۴	۱۹/۸
وضعیت زناشویی			
دارای همسر	۸۶/۱	۹۶/۴	۹۱/۲
بی‌همسر بر اثر فوت	۱۰/۳	۱/۴	۵/۹
بی‌همسر بر اثر طلاق	۲/۹	۱/۳	۲/۱
هرگز ازدواج نکرده	۰/۷	۰/۹	۰/۸
تحصیلات			
بی‌سواد	۱۷/۸	۶/۳	۱۲/۲
ابتدایی	۳۲/۴	۲۵/۰	۲۸/۸
متوسطه و پیش‌دانشگاهی	۳۸/۲	۴۷/۲	۴۲/۶
دانشگاهی	۱۱/۵	۲۱/۵	۱۶/۴
متغیر	میانگین		انحراف معیار
بعد خانوار			
زنان	۳/۵		۱/۳۹
مردان	۳/۶		۱/۳۵

جدول ۴، فراوانی و درصد نقش‌های شدید (براساس معیارهای ذکر شده در جدول ۱) را در میان جمعیت میان‌سال نشان می‌دهد. یافته‌ها نشان می‌دهد درصد زنان میان‌سالی که یک، دو یا سه نقش شدید را بر عهده دارند، بیش از دو برابر مردان میان‌سال است (۱۰/۸ درصد در مقابل ۵/۲ درصد). تفاوت‌های میان مردان و زنان در توزیع نقش‌های شدید نیز، از دیگر یافته‌های این مقاله است که تا حدودی الگوی مشارکت نقش‌های (شکل ۱) را منعکس می‌کند؛ برای مثال، اکثر قریب به اتفاق زنان، تنها نقش شدید خانگی (اختصاص زمان ۵ ساعت یا بیشتر) را بر عهده دارند، در حالی که این توزیع برای مردان از تنوع بیشتری برخوردار است. نکته مهم دیگر آن است که در بین مردان، فراوانی افرادی بیشتر از دو نقش

دیگر است که تنها بار شدید والدینی را بر عهده دارند. مقایسه این نقش بین دو جنس نشان می‌دهد بار شدید والدینی برای مردان میان‌سال، از زنان میان‌سال فراوان‌تر است. به نظر می‌رسد رقابت بودجه زمانی در اختیار زنان برای انجام دو نقش شدید خانگی و والدینی، در نهایت با واگذاری بخش درخور توجهی از امور والدینی به مردان (همسران)، به نفع زنان خانه‌دار خاتمه یافته است. مطابق جدول ۴، فراوانی زنانی که دو نقش خانگی و والدینی را با شدت بیشتری تجربه می‌کنند، بسیار کمتر از زنانی است که تنها نقش شدید خانگی را بر عهده دارند. این الگو نسبت به الگوی مشارکت نقش‌های متفاوت است؛ زیرا همان‌گونه که قبلاً بیان شد، اکثریت زنان در هر دو نقش خانگی و والدینی مشارکت دارند. مشارکت

«گیرافتادگی» میان‌سالان در سه نقش شدید، به‌عنوان یک وضعیت نادر در بستر جامعه شهری ایران مشاهده می‌شود؛ به‌طوری که هیچ‌یک از مردان و تنها یک‌صدم درصد (۶ مورد) از زنان میان‌سال، دچار این شرایط خاص و پرتنش‌اند (جدول ۴). در مجموع، نابرابری جنسیتی چشمگیر در تقسیم کار خانگی و شدت تجربه این نقش توسط زنان، یکی از موانع مشارکت اقتصادی آنهاست و احتمال تأثیرگذاری شدت بار والدینی در این امر، به مراتب کمتر و تا حدودی اغماض‌شدنی است. اگرچه نمونه بررسی شده در این بخش، محدود به جمعیت میان‌سال بود، یافته‌های مطالعات پیشین نیز شکاف جنسیتی آشکار در تقسیم کار خانگی زوجین و مراقبت از بزرگسالان را در همه گروه‌های سنی تأیید کرده است (ترابی، ۱۳۹۹ الف؛ ترابی و سروانی، ۱۴۰۲).

بیشتر مردان در فعالیت‌های والدینی، احتمالاً این مسئله را منعکس می‌کند که امور مربوط به تربیت و نگهداری از فرزندان، به دلایل روان‌شناختی و اجتماعی-فرهنگی، نسبت به کار خانگی برای مردان مطلوب‌تر است. همچنین با توجه به اینکه مراقبت‌های غیر دستمزدی از بزرگسالان حاضر در خانوار (به‌عنوان زیرمجموعه نقش خانگی)، بخش بسیار کوچکی از زمان افراد را در شبانه‌روز به خود اختصاص می‌دهد (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۹)، بار اصلی شدت این نقش به دیگر خدمات بدون مزد به اعضای خانوار (مانند تمیزکردن، پخت‌وپز، خریدکردن و غیره) مربوط می‌شود.

درباره توزیع جنسی افرادی که دو نقش شدید را بر عهده دارند نیز، مجدداً الگوی گریز از نقش خانگی برای مردان و گریز از نقش شغلی برای زنان مشاهده می‌شود. آخرین یافته مهم این بخش این است که پذیرفتن، یا به تعبیر استعاره آن،

جدول ۴- توزیع نقش‌های شدید در میان میان‌سالان به تفکیک جنس، پیمایش گذران وقت (۱۳۹۸-۱۳۹۹)

Table 4- Distribution of intense roles among the middle-aged by gender. Time-use survey (2019-2020)

مردان (درصد فراوانی)	زنان (درصد فراوانی)	شدت نقش
۳۰ (۰/۵)	۵۸۶ (۱۰/۰)	یک نقش شدید
۱۱۰ (۲/۰)	۱ (۰/۰۲)	فقط نقش خانگی (به مدت ۵ ساعت یا بیشتر)
		فقط نقش شغلی (به‌صورت تمام‌وقت)
		فقط نقش والدینی (افراد با حداقل یک فرزند وابسته در خانه، یا فرزند بزرگسال که نیازمند مراقبت باشد و یا طلاق گرفته و بیوه باشد)
۱۳۷ (۲/۴)	۸ (۱/۰)	دو نقش شدید
		خانگی و والدینی
۱ (۰/۰۲)	۲۹ (۰/۴۹)	خانگی و شغلی
۱ (۰/۰۲)	۱ (۰/۰۲)	شغلی و والدینی
۱۵ (۰/۳)	۲ (۰/۰۳)	سه نقش شدید
۰	۶ (۰/۱)	خانگی، والدینی و شغلی
۲۹۴ (۵/۲)	۶۳۳ (۱۰/۸)	مجموع
۵۳۲۰ (۹۴/۸)	۵۲۳۶ (۸۹/۳)	بدون نقش شدید

به اوج می‌رسد، مشارکت بسیار پایین زنان در فعالیت‌های دستمزدی، تلاقی دو نقش خانگی و والدینی را برای زنان رقم زده و باعث شده است تا سه‌نقشی بودن برای مردان در تمام سنین، شایع‌تر باشد؛ ثانیاً، تمرکز بر شدت نقش، توزیع

در جمع‌بندی یافته‌های توصیفی این مقاله درباره مشارکت در نقش‌های چندگانه و شدت مشارکت در این نقش‌ها، (شکل ۱ و جدول ۴)، نشان داده شد که اولاً، اگرچه مشارکت در هر سه نقش خانگی، والدینی و شغلی در مرحله میان‌سالی

### یافته‌های تحلیلی

تعداد نقش‌هایی که یک فرد بر عهده دارد، می‌تواند تحت تأثیر طیف وسیعی از ویژگی‌های جمعیتی و اجتماعی-اقتصادی در سطوح خرد و کلان باشد. با توجه به استفاده از داده‌های فردی در این مطالعه، تحلیل پیش رو بر سطح خرد متکی است. با توجه به اینکه توزیع درصدی مردان و زنان میان‌سال حاضر در پیمایش برحسب زیرگروه‌های متغیرهای مستقل، به‌استثنای متغیر فاصله‌ای بُعد خانوار، در بخش قبلی این گزارش ارائه شده است (به جدول ۳ بنگرید)، از معرفی مجدد این متغیرها در بخش حاضر خودداری می‌کنیم. خروجی حاصل از رگرسیون پواسون، در جدول ۵ مشاهده می‌شود.

جنسیتی نسبتاً متفاوتی را از الگوی مشارکت در این سه نقش نشان می‌دهد. برای زنان، مشارکت در نقش‌های والدینی و خانگی جای خود را به مشارکت شدید در نقش خانگی داده و برای مردان، نقش والدینی، شایع‌ترین نقش شدید شناخته شده است. به عبارت ساده‌تر، تلاقی نقش‌های شدید، پدیده شایعی در میان‌سالان نمونه نیست و توزیع آن عمدتاً بر کسانی متمرکز است که تنها یک نقش شدید را تجربه کرده‌اند.

در بخش بعدی این مقاله، سعی می‌کنیم به این سؤال پاسخ دهیم که مشارکت در نقش‌های شدید شغلی، خانگی و والدینی توسط جمعیت میان‌سال، با چه ویژگی‌های جمعیتی همبسته است؟

جدول ۵- خروجی مدل‌های رگرسیون پواسون برای تعداد نقش‌های شدید به تفکیک جنس

Table 5- Output of Poisson regression models for the number of extreme roles by gender, Time-use survey (2019-2020)

مردان ضریب رگرسیونی	زنان ضریب رگرسیونی	مردان و زنان ضریب رگرسیونی	متغیرهای مستقل
-	-	مرجع	جنس
-	-	**۰/۴۷	زنان
-	-	-	مردان
مرجع	مرجع	مرجع	گروه سنی
۰/۳۸- غ م	**۰/۵۲	۰/۱۶ غ م	۴۰-۴۴
۰/۵۴ غ م	**۰/۵۳	**۰/۳۱	۴۵-۴۹
۰/۱۸- غ م	**۰/۶۵	**۰/۴۳	۵۰-۵۴
مرجع	مرجع	مرجع	۵۵-۵۹
۰/۱۴ غ م	**۱/۵۴	**۱/۱۳	وضع زناشویی
۰/۲۱- غ م	**۱/۶۱	**۱/۱۶	ازدواج کرده
۰/۸۳ غ م	۰/۱۲- غ م	۰/۱۹ غ م	بی‌همسر در اثر فوت
مرجع	مرجع	مرجع	بی‌همسر در اثر طلاق
۰/۹۳- غ م	۰/۱۵- غ م	۰/۱۱- غ م	هرگز ازدواج نکرده
۰/۳۷- غ م	۰/۲- غ م	**۰/۲۹	تحصیلات
**۰/۸	**۰/۳۴	**۰/۵۵	بی‌سواد
**۰/۴	**۱/۳۷	**۰/۹۳	ابتدایی
۰/۰۵	۰/۲۸	۰/۱۸	متوسطه و پیش‌دانشگاهی
۵۶۱۴	۵۸۶۳	۱۱۴۷۷	دانشگاهی
			بُعد خانوار
			شبه $R^2$
			تعداد مشاهدات

توضیحات: \* معنی‌دار در ۰/۵، \*\* معنی‌دار در ۰/۱



خاص بودن مرحله میان‌سال‌ی در این زمینه اذعان کرده‌اند (Brody, 1981; Rosenthal et al., 1996; Lingren & Decker, ) (1992; Penning, 1998; Grundy & Henretta, 2006).

با وجود غنای نظری و تجربی منابع خارجی، تحقیقات داخلی مرتبط با این حوزه از نظر گستره بررسی و نوع نگاه محقق در بر ساخت مسئله، جای تأمل دارد. در کنار عوامل فرهنگی، اجتماعی و سلامت، پویایی‌های جمعیتی نیز می‌تواند با تغییراتی در توزیع و تلاقی نقش‌های مختلف آدمیان سهیم باشد که در چرخه زندگی فردی و خانوادگی افراد ایجاد می‌کند. افزایش میانگین طول عمر ایرانیان و در عین حال کوچک شدن شبکه حمایتی آنها از طریق کاهش میزان فرزندآوری که از آن با عنوان «انتقال جمعیتی در ایران» یاد می‌شود (سرای، ۱۳۷۶) و همچنین دیگر روندهای مربوطه، مانند افزایش سن ازدواج و تأخیر در فرزندآوری (Torabi et al., 2015; McDonald et al., 2013)، ضرورت توجه به دوران میان‌سال‌ی به عنوان یک مرحله پرمسئولیت و مستعد، فشار نقش را گوشزد می‌کند. نگاهی به منابع و مطالعات داخلی، نشان داد شناخت کافی درباره شیوع چندگانگی نقش‌ها و شدت تجربه آن در میان‌سال‌ی وجود ندارد. بنابر اهمیت موضوع در سطح ملی، این مقاله سعی کرد با یک رویکرد اکتشافی و با بهره‌گیری از اطلاعات آخرین پیمایش گذران وقت انجام شده در مناطق شهری ایران (۱۳۹۸-۱۳۹۹)، به این سؤالات پاسخ دهد که اولاً، چه نسبتی از زنان و مردان میان‌سال در سه نقش شغلی، خانگی و والدینی مشارکت دارند؟ ثانیاً، الگوی چندگانگی نقش‌ها در میان‌سال‌ی براساس کدام ویژگی‌های جمعیتی افراد تغییر می‌کند؟

در پاسخ به سؤال اول، یافته‌ها نشان داد که اگرچه، به مانند یافته‌های پیشین در ادبیات جهانی، تلاقی این سه نقش در میان‌سال‌ی (نسبت به جوانی و سالخوردگی) به اوج می‌رسد، مشارکت بسیار پایین زنان در فعالیت‌های دستمزدی، الگوی نقشی برای زنان را بر تلاقی دو نقش خانگی و والدینی

یافته‌ها بیانگر تفاوت آشکار میان مردان و زنان در قدرت تبیین مدل و همچنین رابطه متغیرهای جمعیتی با تعداد نقش‌های شدید است. متغیرهای موجود در مدل، توانسته‌اند نسبت بیشتری از تغییرات نقش‌های شدید زنان میان‌سال را نسبت به مردان میان‌سال توضیح دهند (۲۸٪ و ۰۵٪، به ترتیب). از سوی دیگر، مردان و زنان میان‌سال از نظر عوامل تعیین‌کننده مشارکت در نقش‌های شدید نیز متفاوت‌اند. همان‌طور که مشاهده می‌شود، پس از تعدیل دیگر متغیرها، مرد بودن، تعداد نقش‌های شدید را کاهش می‌دهد. به عبارت دیگر، حتی در صورتی که زنان از نظر ویژگی‌های مختلفی که در این تحلیل به آنها توجه شده است، با مردان یکسان بودند، باز هم نقش‌های شدید بیشتری را بر عهده می‌گرفتند. با افزایش سن (گذر از اوان میان‌سال‌ی به اواخر آن)، بر تعداد نقش‌های شدید زنان افزوده می‌شود؛ اما شواهدی مبنی بر وجود چنین رابطه‌ای برای مردان وجود ندارد. زنان میان‌سال ازدواج کرده، بیشتر از هم‌تایان بیوه یا مطلقه خود به نقش‌های شدید مشغول‌اند؛ اما شواهدی مبنی بر این پیدا نشد که هرگز ازدواج نکردن بر تعداد نقش‌های شدید زنان بیفزاید. نتایج نشان می‌دهد وضعیت زناشویی با تعداد نقش‌های شدید مردان رابطه‌ای ندارد. تحصیلات دانشگاهی، تعداد نقش‌های شدید را هم برای مردان و هم برای زنان کاهش می‌دهد؛ هرچند مقدار ضریب رگرسیونی، حاکی از آن است که شدت این رابطه منفی برای مردان بیشتر از زنان است. بعد خانوار با تعداد نقش‌های شدید مردان و زنان رابطه منفی دارد، هرچند شدت این رابطه برای زنان، بیشتر از مردان است.

## بحث و نتیجه

همسو با تحولات اجتماعی-جمعیتی اخیر در سرتاسر دنیا، توجه علمی به مشارکت افراد (به ویژه زنان) در نقش‌های مختلف و تغییرات آن در طول مسیر زندگی‌شان، قوت گرفته است. در این راستا، بسیاری از محققان بر اهمیت و

نقش‌های شدید را برای مردان کاهش می‌دهد؛ اما تأثیر مشابه آن برای زنان، با سطح اطمینان پایین‌تری همراه است. به این ترتیب، دورهٔ میان‌سالی برای زنان متأهلی که با مسئولیت‌های متعدد مرتبط با همسراری و خانه‌داری مواجه‌اند و در عین حال توانایی جسمی آنها با افزایش سن تقلیل می‌رود، به دوره‌ای پراسترس و نامطلوب تبدیل می‌شود. در واقع یافتهٔ مهم این مقاله، تفاوت محسوس الگوی تجربهٔ نقش‌های شدید میان مردان و زنان بود که نشان داد وظایف مربوط به نقش خانگی، به‌تنهایی بار شدیدی را بر دوش زنان میان‌سال ساکن در مناطق شهری می‌گذارد، به‌طوری که شیوع آن بیش از ۴ برابر نقش شدید شغلی در میان مردان نمونه است. همچنین، نظر به اینکه برای چنین مسئولیت‌های غیر دستمزدی، سن بازنشستگی تعریف نمی‌شود، با افزایش سن و نزدیک‌شدن به دورهٔ سالمندی، بر تعداد نقش‌های شدید تجربه‌شده توسط زنان افزوده می‌شود. این یافته بیان می‌دارد که فهم پیامدهای نابرابری در اختصاص زمان میان‌سالان به فعالیت‌های غیر دستمزدی در خانه، مستلزم توجه ویژه است. شناخت تأثیر مشارکت در نقش‌های چندگانهٔ شدید بر سلامت جسمی و روانی میان‌سالان و عوامل زمینه‌ساز تغییر این الگوی بالقوهٔ آسیب‌زا، بستر مناسبی برای سیاست‌گذاری و طراحی مداخلات مبتنی بر شواهد، برای افزایش سلامت و رفاه میان‌سالانی است که بخش بزرگی از جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند.

اتخاذ راهبردهایی در جهت اشتغال جوانان و شروع زندگی مستقل آنها، یکی از راه‌حل‌هایی است که از بار مسئولیت والدین میان‌سال می‌کاهد. طولانی‌شدن دوران مجرد فرزندان و تأخیر در گذار آنها به دوران بزرگسالی، تقاضا را برای خدمات خانگی بدون مزد در خانوار و عرضهٔ آن توسط والدین (عموماً مادران) در دورهٔ میان‌سالی و حتی اوان سالمندی افزایش می‌دهد. این در حالی است که محققان معتقدند دوران میان‌سالی بهتر است با آرامش و لذت‌جویی<sup>۱</sup> و

متمرکز کرده و باعث شده است تا تلاقی سه نقش برای مردان در تمام سنین، شایع‌تر باشد که بیانگر وضعیت نسبتاً خاص ایران در این زمینه است. یافته‌ها دربارهٔ مشارکت در نقش‌های شدید در میان‌سالی، که با معیارهای خاصی مشخص شدند، ترکیب جنسیتی نسبتاً متفاوتی را از الگوی مشارکت در نقش‌ها آشکار کرد که در آن تلاقی نقش‌های والدینی و خانگی برای زنان، جای خود را به مشارکت در نقش شدید خانگی داد و برای مردان نیز، نقش والدینی، شایع‌ترین نقش شدید شناخته شد. این موارد بیانگر شیوع پایین تلاقی نقش‌های شدید در میان‌سالان بود و نشان داد تلاقی نقش‌های شدید در بستر جامعهٔ شهری ایران، عمدتاً بر افرادی متمرکز است که تنها یک نقش شدید را تجربه می‌کنند (الگوی تک‌نقشی شدید). طبق این یافته می‌توان انتظار داشت که شدت تجربهٔ نقش خانگی توسط زنان، مانع زمانی بزرگ‌تری - نسبت به امور فرزندپروری و نقش والدینی - برای مشارکت اقتصادی آنان به شمار رود.

در پاسخ به سؤال دوم، نتایج تحلیل رگرسیون پواسون برای بررسی عوامل مرتبط با مشارکت در نقش‌های شدید، نشان داد که بعد خانوار، تعداد نقش‌های شدید را برای مردان و به‌ویژه برای زنان میان‌سال کاهش می‌دهد. این وضعیت بیانگر تقسیم کار گسترده‌تر در خانوارهای پرجمعیت است که مانع مشارکت در نقش‌های چندگانهٔ شدید، به‌ویژه برای زنان، می‌شود. آن روی سکه، میان‌سالان حاضر در خانوارهای کم‌جمعیتی‌اند که طبق این یافته، با تجربهٔ نقش‌های شدید بیشتری روبه‌رویند و بنابراین به مداخلاتی برای کاهش این تجربهٔ بالقوهٔ آسیب‌زا نیازمندند. با افزایش سن، بر تعداد نقش‌های شدید زنان افزوده می‌شود که این یافته همسو با فرضیهٔ تراکم نقش‌ها در اواخر میان‌سالی و در نزدیکی سن بازنشستگی است (Patterson & Margolis, 2019). همچنین، زنان ازدواج‌کرده بیشتر از هم‌تایان بیوه و یا مطلقهٔ خود، به نقش‌های شدید مشغول‌اند و تحصیلات دانشگاهی، تعداد

<sup>1</sup> self-indulgence



## منابع فارسی

ادیب، آ.؛ سروخانی، ب. و وثوقی، م. (۱۳۹۹). تبیین جامعه‌شناختی رضایت از زندگی براساس تعارض در ایفای نقش‌های چندگانه و پیامدهای آن در بین زنان متأهل شهرداری تهران. *پژوهش‌های جامعه‌شناسی معاصر*، ۹(۱۶)، ۳۷-۶۰.

<https://doi.org/10.22084/csr.2020.21724.1806>  
افشانی، س.ع. و هاتفی راد، ل. (۱۳۹۶). بررسی عوامل مرتبط با تعارض نقش شغلی-خانوادگی زنان با تأکید بر متغیرهای شغلی و سازمانی. *جامعه‌شناسی کاربردی*، ۲۸(۴)، ۱-۱۸.

<https://doi.org/10.22108/jas.2017.21734>  
بگی، م. و عباسی شوازی، م.ج. (۱۳۹۹). پویایی خانوار در ایران: مطالعه چهار دهه تغییرات در ساختار خانواده و خانوار. *نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران*، ۱۵(۳)، ۲۰۲-۲۳۰.

<https://doi.org/10.22034/jpai.2021.241891>  
ترابی، ف. (۱۳۹۹ الف). جنسیت، گذران وقت و نقش‌های خانوادگی: اهمیت منابع نسبی و دسترسی زمانی. *مطالعات جمعیتی*، ۶(۱)، ۳۷-۶۵.

<https://doi.org/10.22034/jips.2020.228595.1040>  
ترابی، ف. (۱۳۹۹ ب). رابطه کار خانگی و تحصیلات زوجین در مناطق شهری ایران. *مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*، ۹(۲)، ۲۶۳-۲۸۹.

<https://doi.org/10.22059/jisr.2020.287349.919>  
ترابی، ف. و سروانی، ک. (۱۴۰۲). عوامل اجتماعی و جمعیت‌شناختی مرتبط با مراقبت غیر دستمزدی در مناطق شهری ایران: شواهدی از پیمایش گذران وقت (۱۳۹۹-۱۳۹۸). *مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*، ۱۲(۱)، ۱۰۵-۱۲۷.

<https://doi.org/10.22059/jisr.2022.336237.1268>  
رستگار خالد، ا. (۱۳۸۳). بررسی تعارض نقش شغلی-خانوادگی و عوامل مؤثر بر آن. *دانشور رفتار*، ۱۱(۴)، ۳۵-۴۸.

کوتاه‌شدن دوران والدینی از طریق ترک خانه توسط فرزندان بزرگ‌سال دنبال شود (Lingren & Decker, 1992). در این مقاله، شیوع و شدت چندگانگی نقش‌ها براساس نوع خانوار (برای مثال، خانوار زن سرپرست، تک‌والد، گسترده و غیره) بررسی نشد؛ بنابراین این مسئله می‌تواند یک موضوع پژوهشی مهم، در تحقیقات آینده باشد.

تحقیق حاضر با محدودیت‌هایی نیز مواجه بود که جملگی به نوع و گستره اطلاعات موجود برمی‌گردد. نخست آنکه داده‌های استفاده‌شده در این پژوهش از نوع مقطعی بود و امکان بررسی طولی تلاقی نقش‌ها در طول مسیر زندگی افراد وجود نداشت. همان‌طور که پیش از این بیان شد، تحلیل‌های مقطعی در پژوهش‌های اجتماعی، تجربه واقعی افراد را در طول زمان منعکس نمی‌کنند و بنابراین احتمال کم‌برآوردی تجربه نقش‌های چندگانه در این مطالعه وجود دارد. دوم اینکه مناطق روستایی در پیمایش گذران وقت، پوشش داده نشده است. با توجه به تفاوت‌های اجتماعی-فرهنگی و بالأخص جمعیتی (مثل ساختار سنی سالخورده‌تر جمعیت روستایی)، جامعه شهری و روستایی در کشور، جمع‌آوری اطلاعات مشابه، زمینه بررسی تطبیقی چندگانگی نقش‌ها را در مناطق شهری و روستایی فراهم و به شناخت ما از این موضوع را کامل‌تر می‌کند. سومین مورد نیز به نبود اطلاعات مربوط به وضعیت سلامت افراد برمی‌گردد. همان‌طور که در بخش نظری این مقاله مرور شد، رابطه بین تجربه نقش‌های چندگانه و شاخص‌های سلامت، یکی از بدنه‌های پژوهشی اصلی این حوزه به شمار می‌رود؛ از این رو، فقدان اطلاعات مناسب در سطح ملی، امکان بررسی رابطه چندگانگی نقش‌ها و سلامت را ایجاد نکرد. در پایان، پیشنهاد می‌شود تحقیقات آینده بر پیچیدگی‌های عوامل مؤثر در شیوع و شدت تلاقی نقش‌ها در مراحل مختلف زندگی تمرکز کنند و توضیح دهند که چه عوامل پنهان و ناشناخته‌ای در پس تلاقی نقش‌های مختلف وجود دارد که با پیامدهای منفی و یا مثبت برای افراد همراه می‌شود؟

3

- Adelmann, P. K. (1994). Multiple roles and psychological well-being in a national sample of older adults. *Journal of Gerontology*, 49(6), S277-S285. <https://doi.org/10.1093/geronj/49.6.S277>
- Adeeb, A., Saroukhani, B., & Vosoughi, M. (2020). Sociological specification of life satisfaction on the bases of multiple role-playing conflict and its individual- social consequences among married women of Tehran municipality. *Two Quarterly Journal of Contemporary Sociological Research*, 9(16), 37-60. [In Persian].
- Afshani, S., & Hatefirad, L. (2017). Investigate related factors with work- family role conflict with emphasis on organizational factors among employed women. *Journal of Applied Sociology*, 28(4), 1-18. [In Persian].
- Aghajanian, A., & Thompson, V.D. (2013). Household size and structure in Iran: 1976-2006. *The Open Family Studies Journal*, 5, 1-9. <http://dx.doi.org/10.2174/1874922401305010001>
- Albertini, M., Kohli, M., & Vogel, C. (2007). Intergenerational transfers of time and money in european families: Common patterns—different regimes? *Journal of European Social Policy*, 17(4), 319-34. <https://doi.org/10.1177/0958928707081068>
- Albertini, M. (2016). Ageing and Family Solidarity in Europe; Patterns and Driving Factors of Intergenerational Support. *World Bank Group, Policy Research Working Paper*.
- Bagi, M., & Abbasi-Shavazi, M. J. (2020). Household dynamics in iran: study of changes in family and household structure over four decades. *Journal of Population Association of Iran*, 15(30), 203-230. [In Persian].
- Bartley, M., Popay, J., & Plewis, I. (1992). Domestic conditions, paid employment and women's experience of ill-health. *Sociology of Health & Illness*, 14, 313-343. <https://doi.org/10.1111/j.1741-3737.2008.00479.x>
- Baxter, J., Hewitt, B., & Haynes, M. (2008). Life course transitions and housework: Marriage, parenthood and time on housework. *Journal of Marriage and Family*, 70, 259-272. [https://doi.org/10.1007/978-3-322-80414-3\\_6](https://doi.org/10.1007/978-3-322-80414-3_6)
- Beck, B., Dallinger, U., Naegele, G., & Reichert, M. (1997). *Vereinbarkeit von erwerbstätigkeit und Pflege [Balancing work and elder care]*. Stuttgart, Germany: Kohlhammer. [https://doi.org/10.1007/978-3-322-80414-3\\_6](https://doi.org/10.1007/978-3-322-80414-3_6)
- Bengtson, V. L., & Robert E. L. (1991). Intergenerational solidarity in aging families: An example of formal theory construction. *Journal of Marriage and the Family*, 53(4), 856-70. <https://doi.org/10.22108/jas.2023.136790.2365>
- <https://dori.net/dor/20.1001.1.23452188.1383.2.1.4.7>  
رستگار خالد، ا. (۱۳۸۴). گسترش نقش زنان در جهت حمایت‌های شغلی-خانوادگی، جامعه‌شناسی ایران، ۶ (۴)، ۱۶۵-۱۲۶.
- <https://dori.net/dor/20.1001.1.17351901.1384.6.4.6.6>  
سرایبی، ح. (۱۳۷۶). گذار جمعیتی ایران: ملاحظات مقدماتی. *علوم اجتماعی*، ۵(۹)، ۱-۱۸.
- <https://dori.net/dor/20.1001.1.17351162.1376.5.9.1.1>  
سفیری، خ. و زارعی، ز. (۱۳۸۵). احساس ناسازگاری میان نقش‌های اجتماعی و خانوادگی در زنان. *مطالعات زنان*، ۴ (۲)، ۷۰-۴۷.
- <https://doi.org/10.22051/jwsp.2006.1270>  
عباسی شوازی، م.ج.؛ صادقی، ر. و حسینی چاووشی، م. (۱۳۹۷). *تغییرات ساختار سنی و پنجره جمعیتی در ایران: فرصت‌ها و چالش‌ها*. معاونت توسعه کارآفرینی و اشتغال، وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی. کوئن، ب. (۱۳۷۲). *مبانی جامعه‌شناسی*، ترجمه و اقتباس: غلامعباس توسلی و رضا فاضل. تهران: سمت.
- گروسی، س. و آدینه‌زاد، ر. (۱۳۸۹). بررسی رابطه عوامل اجتماعی با تعارض نقش‌های شغلی و خانوادگی در بین زنان شاغل شهر کرمان. *علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد*، ۱۷(۱)، ۱۳۹-۱۲۱. <https://doi.org/10.22067/jss.v0i0.8780>
- مرکز آمار ایران (۱۳۹۹). *نتایج سالانه طرح آمارگیری گذران وقت*، نقاط شهری کشور ۱۳۹۹-۱۳۹۸، ویکس، ج. (۱۳۹۵). *جمعیت، مقدمه‌ای بر مفاهیم و موضوعات*، ترجمه الهه میرزایی، تهران: مؤسسه مطالعات و مدیریت جامع و تخصصی جمعیت کشور.
- Abbasi-Shavazi, M. J., & Sadeghi, R. (2018). *Demographic window and labor market in Iran, opportunities and challenges*. Tehran: Vice President of Entrepreneurship and Employment Development, Ministry of Cooperation, Labor and Social Welfare. [In Persian]
- Abbasi-Shavazi, M.J., McDonald, P., & Hosseini-Chavoshi, M. (2009). *The fertility transition in Iran: Revolution and reproduction*. Dordrecht: Springer. <https://doi.org/10.1007/978-90-481-3198->



- the analysis of demographic dividends, *working paper of Counting Women's Work research project and National Transfer Accounts research network*. <http://uaps2019.popconf.org/uploads/191077>
- Elder, G. H., Jr., & Giele, J. Z. (2009). *The craft of life course research*. Guilford Press.
- Evandrou, M., Glaser, K., & Henz, U. (2002). Multiple role occupancy in midlife: Balancing work and family life in Britain. *The Gerontologist*, 42(6), 781–789. <https://doi.org/10.1093/geront/42.6.781>
- Garroosy, S., & Adinehzadeh, R. (2010). Investigating the relationship between job/family role conflict and social factors: the case of employed women in Kerman. *Journal of Social Sciences Ferdowsi University of Mashhad*, 7(1), 122-140. [In Persian].
- Greenhaus, J. H., & Beutell, N. J. (1985). Sources of conflict between work and family roles. *The Academy of Management Review*, 10(1), 76–88. <https://doi.org/10.5465/amr.1985.4277352>
- Grundy, E., & Henretta, J.C. (2006). Between elderly parents and adult children: a new look at the intergenerational care provided by the 'sandwich generation'. *Aging & Society*, 26(5), 707-722. <https://doi.org/10.1017/S0144686X06004934>
- Glaser, K., Evandrou, M., & Tomassini, C. (2006). Multiple role occupancy and social participation among midlife wives and husbands in the united kingdom. *The International Journal of Aging and Human Development*, 63(1), 27–47. <https://doi.org/10.2190/7LGV-01W9-KQBL-4121>
- Grigoryeva, A. (2017). Own gender, sibling's gender, parent's gender: The division of elderly parent care among adult children. *American Sociological Review*, 82(1), 116-146. <https://doi.org/10.1177/0003122416686521>
- Goode, W. J. (1960). A theory of role strain. *American Sociological Review*, 25(4), 483–496. <https://doi.org/10.2307/2092933>
- Haas, L. (1981). Domestic role sharing in Sweden. *Journal of Marriage and the Family*, 43(4), 957–967. <https://doi.org/10.2307/351351>
- Hammer, L. B., & Neal, M. B. (2008). Working sandwiched-generation caregivers: Prevalence, characteristics, and outcomes. *The Psychologist-Manager Journal*, 11(1), 93–112. <https://psycnet.apa.org/doi/10.1080/10887150801967324>
- Hochschild, A., & Machung, A. (2012). *The second shift: working families and the revolution at home*. Revised (ed). New York: Penguin Books.
- International Labour Organization [ILO] (2018). *Care work and care jobs for the future of decent work*. ILO: Geneva.
- Jenkins, C. L. (1997). Women, work, and caregiving: How do these roles affect women's well-being? <https://doi.org/10.2307/352993>
- Bengtson, V. L. (2001). Beyond the nuclear family: the increasing importance of multigenerational bonds: the burgess award lecture. *Journal of Marriage And Family*, 63(1), 1-16. <https://doi.org/10.1111/j.1741-3737.2001.00001.x>
- Bianchi, S. M. (2014). A demographic perspective on family change. *Journal of Family Theory & Review*, 6(1), 35-44. <https://doi.org/10.1111/jftr.12029>
- Bratberg, E., Svønn Åge D., & Alf Erling, R. (2002). The double burden': Do combinations of career and family obligations increase sickness absence among women? *European Sociological Review*, 18(2), 233–49. <https://doi.org/10.1093/esr/18.2.233>
- Britannica, T. Editors of Encyclopaedia (2023). Middle age. Encyclopedia Britannica. <https://www.britannica.com/science/middle-age>
- Brody, E. (1981). Women in the middle and family help to older people. *The Gerontologist*, 21(5), 471–479. <https://doi.org/10.1093/geront/21.5.471>
- Chassin, L., Macy, J. T., Seo, D. C., Presson, C. C., & Sherman, S. J. (2010). The association between membership in the sandwich generation and health behaviors: A longitudinal study. *Journal of Applied Developmental Psychology*, 31(1), 38–46. <https://doi.org/10.1016/j.appdev.2009.06.001>
- Daatland, S., Veenstra, M., & Lima, I. A. (2010). Norwegian sandwiches; on the prevalence and consequences of family and work role squeezes over the life course. *European Journal of Ageing*, 7, 271–281. <https://doi.org/10.1007/s10433-010-0163-3>
- Dahlberg, L., Demack, S., & Bamba, C. (2007). Age and gender of informal carers: a population based study in the UK. *Health and Social Care in the Community*, 15(5), 439–445. <https://doi.org/10.1111/j.1365-2524.2007.00702.x>
- Demey, D., Berrington, A., Evandrou, M., & Falkingham, J. (2011). The changing demography of mid-life, from the 1980s to the 2000s. *Population Trends*, 145, 12–30. <https://doi.org/10.1057/pt.2011.15>
- Do, E. K., Cohen, S. A., & Brown, M. J. (2014). Socioeconomic and demographic factors modify the association between informal caregiving and health in the Sandwich Generation. *BMC Public Health*, 14, 362. <https://doi.org/10.1186/1471-2458-14-362>
- Dukhovnov, D., & Zagheni, E. (2015). Who takes care of whom in the united states? Time transfers by age and sex. *Population and Development Review*, 41(2), 183–206. <https://doi.org/10.1111/j.1728-4457.2015.00044.x>
- Donehower, G. (2019). Adding unpaid care work into



- among women: The significance of employment. *Social Science & Medicine. Part A: Medical Psychology & Medical Sociology*, 14(6), 463-471. [https://doi.org/10.1016/S0271-7123\(80\)80050-2](https://doi.org/10.1016/S0271-7123(80)80050-2)
- Ophir, A., & Polos, J. (2022). Care life expectancy: Gender and unpaid work in the context of population aging. *Population Research and Policy Review*, 41(1), 197-227. <https://doi.org/10.1007/s11113-021-09640-z>
- Pagani, L., & Marenzi, A. (2008). The labor market participation of sandwich generation Italian women. *Journal of Family and Economic Issues*, 29(3), 427-444. <https://doi.org/10.1007/s10834-008-9112-0>
- Pailhé, A., Solaz, A., Stanfors, M. (2020). The Great Convergence? Gender and Unpaid Work in Europe and the United States. *Population and Development Review*, 47(1), 181-217. <https://doi.org/10.1111/padr.12385>
- Patterson, S. E., & Margolis, R. (2019). The demography of multigenerational caregiving: A critical aspect of the gendered life course. *Socius*, 5, 1-19. <https://doi.org/10.1177/2378023119862737>
- Penning M. J. (1998). In the middle: parental caregiving in the context of other roles. *The Journals of Gerontology. Series B, Psychological Sciences And Social Sciences*, 53(4), S188-S197. <https://doi.org/10.1093/geronb/53B.4.S188>
- Pienta, A. M., Burr, J. A., & Mutchler, J. E. (1994). Women's labor force participation in later life: The effects of early work and family experiences. *Journal of Gerontology: Social Sciences*, 49(5), 231-239. <https://doi.org/10.1093/geronj/49.5.S231>
- Rastegar Khaled, A. (2004). Work-family role conflict and the influential social factors. *Clinical Psychology and Personality*, 2(1), 35-48. [In Persian].
- Rastegar Khaled, A. (2005). Expanding the role of women in career-family support. *Iranian Journal of Sociology*, 6(4), 126-165. [In Persian].
- Rosenthal, C. J., Martin-Matthews, A., & Matthews, S. H. (1996). Caught in the middle? Occupancy in multiple roles and help to parents in a national probability sample of Canadian adults. *The Journals of Gerontology Series B: Psychological Sciences and Social Sciences*, 51(6), 274-283. <https://doi.org/10.1093/geronb/51B.6.S274>
- Ruggles, S. (1996). *The effects of demographic change on multigenerational family structure: United States whites 1880-1980*. Les systèmes démographiques du passé, 21-40.
- Robards, J., Vlachantoni, A., Evandrou, M., & Falkingham, J. (2015). Informal Caring in England and Wales—stability and transition between 2001 and 2011. *Advances in Life Course Research*, 24, 27-45. [https://doi.org/10.1300/J074v09n03\\_03](https://doi.org/10.1300/J074v09n03_03)
- Kang, J. W., & Jang, S. N. (2020). Effects of women's work-family multiple role and role combination on depressive symptoms in Korea. *International Journal Of Environmental Research And Public Health*, 17(4), 1249. <https://doi.org/10.3390/ijerph17041249>
- Kohen, B. (1994). *Introduction to sociology*. Translation and adaptation: Gholam-Abbas Tavasoli and Reza Fazel. Tehran: SAMT Press. [In Persian].
- Lachman, M. E. (2004). Development in midlife. *Annual Review Psychology*, 55, 305-331. <https://doi.org/10.1146/annurev.psych.55.090902.141521>
- Lee, R., Lam, J., Baxter, J., Povey, J., Zubrick, S.R. (2022). *Families, life courses and the intergenerational transmission of social disadvantage in Australia*. In: Baxter, J., Lam, J., Povey, J., Lee, R., Zubrick, S.R. (eds), (2022) *Family Dynamics over the Life Course*. Springer. <https://doi.org/10.1007/978-3-031-12224-8>
- Lingren, H. G., & Decker, J. (1992). *The sandwich generation: A cluttered nest*. Historical materials from university of Nebraska-Lincoln extension, 562.
- Long, J. S. (1997). *Regression models for categorical and limited dependent variables*. London: Sage.
- Manor, S. (2021). Being a working grandmother, mother, and daughter at the same time: A "double sandwich" in a four-generation family. *Journal of Family Issues*, 42(2), 324-344. <https://doi.org/10.1177/0192513X20921520>
- Margolis, R., & Verdery, A. M. (2019). A cohort perspective on the demography of grandparenthood: Past, present, and future changes in race and sex disparities in the United States. *Demography*, 56(4), 1495-1518. <https://doi.org/10.1007/s13524-019-00795-1>
- Margolis, R. (2016). The changing demography of grandparenthood. *Journal of Marriage and Family*, 78(3), 610-622. <https://doi.org/10.1111/jomf.12286>
- Mayer, K. U. (2009). New directions in life course research. *Annual Review of Sociology*, 35, 413-433. <https://doi.org/10.1146/annurev.soc.34.040507.134619>
- McDonald, P., Hosseini-Chavoshi, M., & Abbasi-Shavazi, M. J. (2015). Assessment of Iranian fertility trends using parity progression ratios. *Demographic Research*, 32 (58), 1581-1602. <https://dx.doi.org/10.4054/DemRes.2015.32.58>
- Miller, D. (1981). The "sandwich generation": Adult children of the aging. *Social Work*, 26(5), 419-423. <https://doi.org/10.1093/sw/26.5.419>
- Nathanson, C. A. (1980). Social roles and health status

- Torabi, F. (2020). Education and household labor in urban areas of Iran. *Quarterly of Social Studies and Research in Iran*, 9(2), 263-289. [In Persian].
- Torabi, F. (2020). Gender, time use and family roles: The importance of relative resources and time availability. *Population Policy Research*, 6(1), 37-65. [In Persian].
- Torabi, F., Abbasi-Shavazi, M. J., & Askari-Nodoushan, A. (2015). Trends in and patterns of solo living in Iran: an exploratory analysis. *Journal of Population Research*, 32(3/4), 243-261. <https://doi.org/10.1007/s12546-015-9152-x>
- Torabi, F., Baschieri, A., Clarke, L., & Abbasi-Shavazi, M. J. (2013). Marriage postponement in Iran: accounting for socio-economic and cultural change in time and space. *Population, Space and Place*, 19(3), 258-274. <https://doi.org/10.1002/psp.1710>
- Uhlenberg, P. (1996). Mutual attraction: demography and life course analysis. *Gerontologist*, 36(2), 226-29. <https://doi.org/10.1093/geront/36.2.226>
- Voydanoff, P., & Donnelly, B. W. (1999). Multiple roles and psychological distress: The intersection of the paid worker, spouse, and parent roles with the role of the adult child. *Journal of Marriage and the Family*, 61(3), 725-738. <https://doi.org/10.2307/353573>
- Weeks, J. R. (2016). Population: an introduction to concepts and issues. translations: Mirzaei, E. Tehran: National Institute for Population Research (NIPR) Iran. [In Persian].
- Yu, Y., & Moen, P. (1997). *Working couples: work context life stage and the division of domestic labor*. Cornell Univ.
- 21-33. <https://doi.org/10.1016/j.alcr.2015.04.003>
- Saraai, H. (1997). Demographic transition of Iran: A Preliminary Report. *Social Sciences*, 5(9), 1-18. [In Persian].
- Safiri, K., & Zare', Z. (2006). Feeling Incongruence between Social and Family Roles in Women. *Women's Studies Sociological and Psychological*, 4(2), 47-70. [In Persian].
- Schulz, R., & Sherwood, P. R. (2008). Physical and mental health effects of family caregiving. *Journal of Social Work Education*, 44(3), 105-113. <https://doi.org/10.5175/JSWE.2008.773247702>
- Seltzer, J. A. (2019). Family change and changing family demography. *Demography*, 56(2), 405-426. <https://doi.org/10.1007/s13524-019-00766-6>
- Seltzer, J. A., & Bianchi, S. M. (2013). Demographic change and parent-child relationships in adulthood. *Annual Review of Sociology*, 39, 275-290. <https://doi.org/10.1146/annurev-soc-071312-145602>
- Sieber, S. (1974). Toward a theory of role accumulation. *American Sociological Review*, 39(4), 556-578. <https://doi.org/10.2307/2094422>
- Solhi, M., Pirouzeh, R., & Zanjari, N. (2022). Perspectives on healthy aging in middle age: Evidence for health promotion interventions. *Journal of Education and Health Promotion*, 11, 5. [https://doi.org/10.4103%2Fjehp.jehp\\_972\\_20](https://doi.org/10.4103%2Fjehp.jehp_972_20)
- South, S. J., & Spitze, G. (1994). Housework in marital and nonmarital household. *American Sociological Review*, 59(3), 327-347. <https://doi.org/10.2307/2095937>
- Statistical Center of Iran. (2020). The annual results of the time-use survey, urban areas of the country, 2019-2020. [In Persian].
- Thoits, P.A. (1986). Multiple identities: Examining gender and marital status differences in distress. *American Sociological Review*, 51, 259-272. <https://doi.org/10.2307/2095520>
- Torabi, F., & Saravani, K. (2023). Socio-demographic correlates of unpaid care in urban areas of Iran: Evidences from 2019-2020 time use survey. *Quarterly of Social Studies and Research in Iran*, 12(1), 105-127. [In Persian].
- Torabi, F. (2022). Life-course variations in spouses' division of roles in urban areas of the Islamic Republic of Iran. *Journal of Asian and African Studies*, 57(5), 982-996. <https://doi.org/10.1177/00219096211043910>
- Torabi, F. (2021). Education and time investment in domestic and parental activities in urban areas of Iran. *Journal of Population Research*, 38(1), 25-51. <https://doi.org/10.1007/s12546-020-09251-z>